

## بررسی آثار و مکتوبات مهدی قلی هدایت (مخبر السلطنه)

هادی وکیلی<sup>۱</sup>

حسین احمدزاده<sup>۲</sup>

### مقدمه

یکی از رجال مهم تاریخ معاصر ایران، مهدی قلی خان مخبر السلطنه هدایت است که در حد فاصل سال‌های ۱۲۴۳-۱۳۳۴ ه.ش / ۱۸۶۴-۱۹۵۵ م می‌زیسته و زمانه شش پادشاه- از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه تا اواسط سلطنت محمد رضا شاه پهلوی- را درک نموده است. او علاوه بر آنکه یکی از مهم‌ترین رجال سیاسی دوران خویش محسوب می‌گشت و تا بالاترین سطوح سیاست و قدرت یعنی ریاست وزرائی رشد کرد، به مسائل فرهنگی نیز ابراز علاقه نموده، در این زمینه بسیار فعال و پر تکاپو بود. از جمله فعالیت‌های فرهنگی که وی در طول حیات خویش به آن پرداخت و هیچ‌گاه از آن غفلت نکرد، می‌توان به نقش وی در جنبش مدرسه‌سازی به سبک نوین و آثار زیادی اشاره نمود که وی از خود به جا گذاشت. هدف این کار در واقع بررسی مورد اخیر، یعنی بررسی تمام آثار و مکتوبات - چاپی، سنگی و خطی - مهدی قلی هدایت است. این کار که به شیوه‌ای تاریخی- توصیفی گرد آمده، بر آن است تا کلیه آثار مهدی قلی خان هدایت را در یک مجموعه منسجم در اختیار محققان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ معاصر ایران قرار دهد.

### نگاهی گذرا به زندگینامه مخبر السلطنه

طبیعتاً برای بررسی و درک بهتر دیدگاه‌های سیاسی و حتی فرهنگی رجال سیاسی، ابتدا باید زمانه و سیر تحولاتی را نگریست، که این دولتمردان در آن نشو و نما یافته و پا به عرصه سیاست گذارده و در یکی

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد.

از زمینه‌های سیاسی و فرهنگی مشغول به فعالیت گردیدند؛ از این رو ارائه مختصری از زندگینامه مهدی قلی خان هدایت ضروری می‌نماید. مهدی قلی خان هدایت (مخبرالسلطنه) در سال ۱۲۸۱ ه.ش / ۱۸۶۴ م در تهران و در خانواده‌ای اشرافی متولد گردید. او فرزند علی قلی خان مخبرالدوله - بانی تلگراف ایران - و نوه نویسنده و مورخ شهیر دوره قاجار، یعنی رضا قلی خان هدایت بود. مهدی قلی خان تا ۱۴ سالگی به فراگیری پاره‌ای از علوم مقدماتی در ایران پرداخت؛<sup>۱</sup> سپس همراه برادر بزرگ‌تر خویش، یعنی مرتضی قلی خان - صنایع‌الدوله - راهی آلمان گردید.<sup>۲</sup> اما در آنجا به جز یادگیری زبان آلمانی و آشنایی با یک خانواده آلمانی، معروف به دیتریشی<sup>۳</sup> توشه دیگری نیندوخت و در نهایت به ایران بازگشت.<sup>۴</sup> او پس از ورود به ایران، مجدداً شروع به یادگیری علوم رایج عصر خویش نمود. علاوه بر این، وی همچنین در کارها دستیار پدر بود تا آنکه از سوی ناصرالدین شاه قاجار به عنوان پیش خدمت به دربار فراخوانده شد.<sup>۵</sup> این مسئله به نوبه خود زمینه‌ساز موفقیت‌های بعدی او گردید. مهدی قلی خان از این زمان به بعد ارتباط خود را با دربار قاجار حفظ نمود. با فوت پدرش علی قلی خان که مقارن با ۱۳۱۵ ه.ق / ۱۸۹۷ م بود، از سوی شاه جدید قاجار یعنی مظفرالدین شاه به لقب مخبرالسلطنه مفتخر گردید.<sup>۶</sup> او اندکی بعد به ریاست پستخانه، گمرک و نیز تلگراف آذربایجان نائل شد.<sup>۷</sup> مخبرالسلطنه پس از آنکه در سفر دوم مظفرالدین شاه به فرنگ او را همراهی نمود، روز به روز به شاه قاجار نزدیک‌تر شد. تا قبل از به وقوع پیوستن حرکت‌های اعتراضی و انقلاب مشروطیت، مخبرالسلطنه بیشتر مشغول امور فرهنگی بود که از این میان می‌توان به سرپرستی مدرسه نظام،<sup>۸</sup> سرپرستی مدرسه علمیه،<sup>۹</sup> مترجمی مسیو و ت - معلم پیاده نظام - در سال ۱۳۰۳ ه.ق / ۱۸۸۵ م<sup>۱۰</sup> و نیز تدریس زبان آلمانی و اداره مدارس رشدیه و شرف اشاره نمود.<sup>۱۱</sup>

اما پس از امضای فرمان مشروطیت (۱۳۳۴ ه.ق / ۱۹۰۶ م) توسط مظفرالدین شاه و شکل‌گیری نظام مشروطه - که بنا بر ادعای یکی از شاه‌مدان معاصر، مخبرالسلطنه تلاش زیادی را برای امضاء کردن

1. Kashefe, Manouchehr, (2003), Hedayat, Mokhber-alsaltana I. Life and Work, Irani, Iranica, collected by Ehsan Yarshater, vol: XII(10), pp: 113- 119.

۲. تقی زاده، حسن، زندگی طوفانی (خطرات و خطرات) سید حسن تقی زاده، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۳۳۱ - ۳۲۹، ۱۳۶۸.

3. Ditrishi

۴. صفائی، ابراهیم، رهبران مشروطه، جلد ۲، بی‌جا، جاویدان، ۱۳۴۶ ص ۴۳۱.

۵. هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، خطرات و خطرات (توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من)، چاپ سوم، تهران، زوار، ۱۳۶۱، ص ۷۰ - ۶۸.

۶. همان، ص ۱۰۵.

۷. بامداد، مهدی، شرح رجال ایران، جلد ۴، چاپ چهارم، تهران، زوار، ۱۳۷۱، ص ۱۸۵.

۸. صفائی، رهبران مشروطه، ص ۴۳۱.

۹. هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، گزارش ایران (قاجاریه و مشروطیت)، چاپ دوم، تهران، نقره، ۱۳۶۳، ص ۱۶۵.

۱۰. یغمائی، اقبال، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵، ص ۵۵.

۱۱. هدایت، خطرات و خطرات، ص ۱۱۰ و ۵۱.

این حکم کرده بود.<sup>۱</sup> زندگی مخبرالسلطنه دچار تغییر و تحول عظیمی گردید. از این زمان به بعد، مخبرالسلطنه از شخصیتی فرهنگی تبدیل به یکی از رجال سیاسی ایران شد؛ او همواره در کابینه‌های پس از مشروطه، یکی از پست‌های مهم را در اختیار داشت.<sup>۲</sup> او از این پس همواره وزیر، والی یا وکیل بود. در هنگام برگزیدن نام خانوادگی برای خویس در دوره پهلوی، به یاد پدر بزرگ خود - رضا قلی خان هدایت - عنوان هدایت برای نام خانوادگی‌اش برگزید. همچنین هدایت، در آخرین سمت رسمی خویس نیز به عنوان رئیس‌الوزرای رضا شاه به مدت شش سال (۱۳۰۶ - ۱۳۱۲ ش / ۱۹۲۷ - ۱۹۳۳ م) ایفای نقش نمود، اما در نهایت در اثر اختلافات نظری با رضا شاه، از سمت خویس با رتبه ۱۱ قضایی معزول گردید.<sup>۳</sup> او باقی مانده عمر خویس را در منطقه‌ای به نام دروس گذراند و در همین جا بود که دست به کارهای خیر و عام‌المنفعه زد. هدایت سرانجام در ۱۲ شهریور ۱۳۳۴ / ۴ سپتامبر ۱۹۵۵ در اثر سقوط از پله، در ۹۱ سالگی رخ در نقاب خاک کشید.

چنانچه در سطور قبلی اشاره گردید، اگرچه مخبرالسلطنه عمری بس طولانی را عمدتاً در مشاغل سیاسی سپری کرده بود، هیچ‌گاه از فعالیت‌های فرهنگی نیز غفلت نکرد که از جمله آن‌ها می‌توان به فعالیت‌های وی در جنبش مدرسه‌سازی به سبک نوین در ایران و نیز به جا گذاردن آثار فراوان از خویس اشاره نمود. هدف پژوهش حاضر نیز در واقع بررسی قسمت اخیر، یعنی بررسی آثار و مکتوبات مهدی قلی هدایت است که همواره در زمان‌های فراغت از سیاست، دست به قلم شده و در حوزه‌های مختلف از تاریخ، ادبیات و فلسفه گرفته تا موسیقی، نجوم و افلاک، دست به نگارش می‌زد.

### عشق ورزیدن هدایت به کتاب‌خوانی و کتاب‌نویسی

از لحاظ تعداد آثار نگاشته شده، مخبرالسلطنه را می‌توان هم‌ردیف با اشخاصی نظیر فروغی، سید حسن تقی زاده و حسن خان مشیرالدوله (پیرنیا) قرار داد. ولی باید به این مسئله توجه نمود که وی، از لحاظ گستردگی مضامین آثارش اگر از ایشان بالاتر نبوده باشد، پایین‌تر هم قرار نخواهد گرفت. اگر آن‌ها تنها در چند زمینه و آن هم اغلب به نثر می‌نگاشتند، حوزه نگارش هدایت از تاریخ گرفته تا جغرافیا، موسیقی و افلاک را در بر می‌گرفت و در همه این زمینه‌ها تألیف داشت؛ البته توانایی هدایت در به نظم درآوردن آثار و اقوالش، زیبایی خاصی به سخنان و دیدگاه‌های وی می‌بخشد. در اینجا باید به این نکته اشاره نمود که هدف پژوهش حاضر، مقایسه تطبیقی آثار هدایت با سایر رجال سیاسی ایران - که علاوه بر مشغله‌های سیاسی دست به نگارش هم می‌زدند - نیست. در مقاله حاضر - که در واقع در بر دارنده آثار مکتوب هدایت است - ابتدا به معرفی ویژگی‌های هدایت در زمینه نگارش و سبک او و سپس به معرفی تک تک آثار

۱. دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، مصحح مجتبی برزآبادی فراهانی، جلد ۲، تهران، فردوس، ۱۳۸۷، ص ۵۲۶

۲. عبدالله‌پور، احمد، وزرای آموزش و پرورش ایران (وزرای معارف ایران)، چاپ دوم، تهران، مؤلف، ۱۳۷۳، ص

۱۶۹ و ۱۶۸

۳. بامداد، شرح رجال ایران، ص ۲۳۱

هدایت پرداخته خواهد شد.

مخبرالسلطنه یکی از رجال سیاسی تاریخ معاصر ایران است که در طول دوران فعالیت‌های سیاسی خویش، با وجود مشغله‌های سیاسی، هیچ‌گاه از نگارش کتاب، خرید و خواندن آثار مختلف باز نایستاد و از همین رو آثار زیادی در زمینه‌های مختلف از خود به جا گذاشت؛ بنابراین مخبرالسلطنه هدایت نه تنها برای خویش یک شخصیت سیاسی، بلکه یک شخصیت فرهنگی نیز قائل می‌گردید که خدمتش را از لحاظ فرهنگی، در نگارش آثار فراوان خود می‌دانست:

به دوران مدت هفتاد سالی  
یکی رشته وزارت یا ایالت  
دو رشته کرده‌ام خدمت به میهن  
یکی تألیف گوناگون به هر فن<sup>۱</sup>

پس در بدو امر باید دید، آنچه که ظاهراً منجر به نگارش آثار فراوان توسط هدایت گشت چه بود و اصلاً چرا وی چنین علاقه‌ای به نگارش و آن هم به ویژه آثار ادبی و تاریخی داشت؟ شاید بتوان دلایل چندی را برای این امر برشمرد: ۱- مخبرالسلطنه بر این باور بود که هر کسی را برای کاری ساخته‌اند و او نیز ساخته شده تا با نگارش آثار فراوان به نوعی به راهنمایی هم‌وطنان خویش در زمینه‌های مختلف البته با تفاسیری که خود از آن‌ها داشت، بپردازد:

هر کسی را بهر کاری ساختند  
مهر آن را در دلش انداختند<sup>۲</sup>

اما این ادعای هدایت ممکن است این سؤال را در ذهن خواننده مطرح سازد که چرا وی با وجود چنین علاقه‌ای به نگارش کتاب، بیشتر عمرش را در امور سیاسی گذارند؟ شاید پاسخ دقیقی به این سؤال نمی‌توان داد، ولی بعید نمی‌نماید که عشق به شهرت و مقام، که یکی از ویژگی‌های بارز هدایت بود، منجر به این امر کشته باشد شاید هم گمان می‌کرد پذیرفتن مشاغل سیاسی نیز راهی باشد که او می‌تواند از این طریق، گام‌هایی را در راستای اصلاح کشور و هم‌وطنانش بردارد.

۲- نباید از علاقه زیاد وی به کتاب غفلت نمود که تأثیر زیادی در نگارش آثار فراوان توسط هدایت داشت. او خود درباره این عشق و علاقه به کتاب و کتاب خواندن چنین می‌گوید: «این بنده به خواندن و نوشتن طبعاً رغب‌تر بودم و در اکثر ابواب سر فرو بردم و دست خالی بیرون آمدم و باز پا فشردم، از هر گلستانی گلی چیدم و از خار نرمیدم»<sup>۳</sup>. یا در جای دیگر می‌گوید: «از بدو شباب این بنده را با مطالعه کتاب از هر قبیل و هر باب، انسی و الفتی بود تا فراغت باز داشتم و فرصت و مجال از هر خرمنی خوشه و از هر انجمنی توشه‌ای یافتم. بالجمله تصنع اوراق و تتبع کتب بیشتر دست می‌داد»<sup>۴</sup>. ۳- مخبرالسلطنه وقت را به مانند طلا می‌دانست و معتقد بود هیچ‌گاه نباید وقت را از دست داد.<sup>۵</sup> از آنجا که هیچ‌گاه دوست نداشت

۱. هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، بر من چه گفشت، بی‌جا، انتشارات تابان، ۱۳۲۳، ص ۸

۲. هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، گزارش ایران، جلد ۱، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۱۷، ص ۴

۳. همان.

۴. هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، تحفه الافاق، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۱۷، ص ج

۵. هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، تحفه مخبری یا کار بیکاری، تهران، انتشارات چشمه، ۱۳۸۷ ص ۴۵۱ و ۴۵۰

بی کار بماند، در هنگام بیکاری و به ویژه عزل شدن از مناصب سیاسی خویش، دست به نگارش می‌زد که از نمونه‌های بارز آن می‌توان به تحفه مخبری که خود مخبرالسلطنه آن را کار بیکاری می‌خواند، یاد نمود. ۴- خود هدایت مهم‌ترین عاملی را که منجر به نگارش آثار فراوانی توسط وی گردید، این مسئله می‌دانست که «روزی پیرمردی از اهل رستم آباد به مدرس من آمد. مکتوبی به خط لایق‌آقا داد که بخوانم. نتوانستم و گفتم: نان مخبرالدوله را حرام کرده‌ای. از آن روز مصمم شدم که هیچ فرصت را از دست ندهم. گردش و تفنّن من اشتغال به ادبیات شد.»<sup>۱</sup> اما از نظر نگارنده یکی از دلایل مهم در نگارش آثار فراوان توسط هدایت آن بود که وی همواره دوست داشت نام خویش را زنده نگاه دارد. پاره‌ای از اشعار خود وی نیز مبین این امر می‌باشد:

این جهان چون موزه‌ای است ای هوشیار  
آخر از موزه برون خواهی شدن

سعی کن در موزه آثاری گذار  
وان اثر چندی بماند یادگار<sup>۲</sup>

آنچه شاید این نظر را قوت بیشتری ببخشد، آن است که وی عمری را در متون تاریخی گذرانده بود و به خوبی می‌دانست که یکی از بهترین راه‌های ماندگار شدن نام، همین نگارش کتب است، که نمونه بارز آن هم نگارش آثار چون *خاطرات و خطرات*، *تحفه مخبری* و *بر من چه گذشت* است. این آثار همگی به نوعی زنده نگه دارنده نام هدایت است. او در جایی به ماندگاری نام اندیشمندانی نظیر افلاطون و ابو علی سینا اشاره دارد و معتقد است آنچه باعث ماندگاری نام ایشان گردید، چیزی نبود جز آثار ایشان و سپس اشاره دارد: «اگر افلاطون اکنون حیات داشتی، جز کلمات حکمتش به گوش ذوالفنون چه رسیدی و اگر بوعلی همچنان زیسته بودی، جز شفا و قانونش چه بود؟»<sup>۳</sup>

البته نباید از این نکته غفلت کرد که این آثار فراوان، به نوعی بیانگر مطالعات زیاد وی در زمینه‌ها و حوزه‌های مختلف نیز بود. او چنان شیفته کتاب بود که در سفرهای خویش مدام به کتاب فروشی‌ها سرک می‌کشید و صندوقچه‌های خویش را پر از کتاب‌هایی می‌نمود که در راه می‌دید. اما بعضاً هم دچار پشیمانی می‌گردید که چرا این همه کتاب خریده است. اما پشیمانی وی نه از آن جهت بود که چرا آن‌ها را خریده، بلکه بیشتر از آن رو بود که وقت کافی برای خواند نشان نداشت.<sup>۴</sup>

### دلایل اهمیت آثار هدایت

کتاب‌هایی که هدایت در طول دوران حیات خویش نگاشت، از چندین جهت حائز اهمیت است که در ذیل به صورت موردی ذکر می‌گردد: ۱- از آنجا که خاندان هدایت جزء طبقه دیوانی- اشرافی قاجار بودند، طبیعتاً روایاتی که مخبرالسلطنه از اجداد خویش شنیده بود همراه پاره‌ای از اسناد به جا مانده در دست وی،

۱. هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، *افکار امم*، تهران، انتشارات مجلس، ۱۳۲۲، ص ن

۲. هدایت، *خاطرات و خطرات*، ص ۱۱۰

۳. هدایت، *تحفه الافاق*، ص ج

۴. هدایت، *خاطرات و خطرات*، ص ۳۳۷

- به نوعی بر قوت آثار او می‌افزود. اگرچه میزان اسناد در آثار وی چندان زیاد نیست.
- ۲- نباید از یاد برد که پدر بزرگ مخبرالسلطنه هدایت، یعنی رضا قلی خان، یکی از رجال و تاریخ‌نگاران سرشناس قجری بود که آثار زیادی از جمله *روضه الصفاء* را از خود به جا گذاشته و هدایت در آثار خود از آن بهره زیادی برده بود، که در جای خویش به آن اشاره خواهد گردید.
- ۳- آنچه بر اهمیت این آثار دو چندان می‌افزاید، درگیر بودن خود مخبرالسلطنه از سال ۱۲۷۳ ه.ق/ ۱۸۹۴ م تا ۱۳۱۲ ه.ش/ ۱۹۳۳ م در امور سیاسی به عنوان یکی از رجال سرشناس کشور بوده است. او بسیاری از وقایع تاریخ معاصر ایران و جهان را در دوران زمامداری خویش یا حتی پس از استعفا از کار مشاهده نموده بود و گاهی اوقات در تماس مستقیم با این وقایع نیز بوده است.<sup>۱</sup>
- ۴- آثار او اطلاعات مهمی را درباره تاریخ معاصر ایران ارائه می‌دهد و علاوه بر آن، اطلاعات گرد آمده در آثار وی درباره تاریخ محلی، به ویژه ایالات آذربایجان و فارس نیز در خور توجه است.<sup>۲</sup>
- ۵- این آثار تا حدود زیادی آکنده از مطالب تکراری است، ولی این مطالب نیز بی‌اهمیت نیست. باید اذعان نمود مطالبی در هر اثر به چشم می‌خورد که به نوعی به مانند قطعات گم شده یک پازل می‌ماند و با در کنار هم قرار دادن آن‌ها، هم مطالب آشکارتر و هم تناقض‌گویی‌های مخبرالسلطنه - به ویژه درباره تفاوت زندگی عملی و نظری وی - هویداتر می‌گردد. به ویژه آنکه گویا مخبرالسلطنه چندان توجهی نیز به اقوال پیشین خود در آثار قبلی‌اش نمی‌کرده است.<sup>۳</sup>
- ۶- باید به بی‌پرده سخن‌گویی‌های مخبرالسلطنه در لابه‌لای آثارش اشاره نمود،<sup>۴</sup> که میان سایر خاطرات کمتر به چشم می‌خورد.
- ۷- آنکه حساسیت و امانت‌داری مخبرالسلطنه در ذکر مطالب و آوردن اسناد و عکس‌ها، خود تا حدود زیادی قابل توجه می‌نماید.<sup>۵</sup> او همچنین با دقت هر چه تمام‌تر، به گراور سازی عکس‌ها که این فن را در جریان سفر به آلمان آموخته بود می‌پرداخت،<sup>۶</sup> که خود می‌تواند نشانه‌ای از دقت بالای مخبرالسلطنه در چاپ آثارش باشد.
- ۸- آنچه تا حدود زیادی آثار مخبرالسلطنه را از هم عصران خویش متمایز می‌ساخت آن بود که وی، در بیشتر اوقات با جسارت هرچه تمام‌تر انتقادهایی که به آثارش و حتی شخصیتش وارد می‌شد را بیان
- 
۱. برزگر، علی، «مهدی قلی هدایت، محافظه کاری از اواخر دوره قاجار»، کتاب‌نما، ترجمه شهلا صادقی، زیر نظر چنگیز پهلوان، تهران، اسپرک، ۱۳۷۰، ص ۲۷۴.
2. Farmanfarmaian, Roxane, (2008), War and Peace in Qajar Persia, Routledge: Taylor & Francis e-Library, New York, p:183
۳. هدایت، خاطرات و خطرات، ص ۱۳ و ۴۰۷ و ۴۳۴
۴. همان، ص ۲۲۹
۵. هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، سفرنامه مکه، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، تیتراژه، ۱۳۶۸، ص ۳۰۲
۶. یغمائی، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، ص ۶۴؛ صفائی، رهبران مشروطه، ص ۴۳۴

می داشت تا خوانندگان آثار وی، خود به قضاوت بنشینند؛<sup>۱</sup> البته این سخنان بدین معنا نیست که وی به مقابله به مثل و جواب‌گویی بر نمی‌آمده است.

### دیدگاه‌های مختلف درباره آثار و سبک هدایت

درباره آثار هدایت مانند هر نویسنده دیگری، نظرات و دیدگاه‌های مثبت و منفی وجود دارد. از جمله اشخاصی که بعدها آثار مخبرالسلطنه را پر از اشتباه خواند، سید حسن تقی زاده بود،<sup>۲</sup> اما تا آنجا که نگارنده این سطور، روایات تاریخی مخبرالسلطنه را با آثاری چون *حیات یحیی دولت‌آبادی* و حتی یکی از مخالفان سرسخت هدایت یعنی احمد کسروی مقایسه نمود، تفاوتی در اصل مطلب دیده نشد و حتی در بسیاری از موارد آثار هدایت از آن‌ها نیز کامل‌تر و جامع‌تر بوده است که در این میان می‌توان به وقایع تبریز در دوران زمامداری‌اش اشاره نمود.

در مورد سبک هدایت باید اشاره کرد، آنچه آثار هدایت را به شدت از دیگران متمایز می‌ساخت، همین نثر و سبک نگارش خاص او بود که از نظر بسیاری معروف به «تلگرافی» گردیده است. بسیاری در این باره معتقد بودند آنچه منجر به این امر گردیده، ناشی از تأثیری بود که تلگراف‌خانه بر وی داشت؛<sup>۳</sup> چرا که هدایت مدتی را در تلگرافخانه مشغول به کار بوده است. این سبک نگارشی طبیعتاً نظریه‌پردازان آثار هدایت را به چند طیف تقسیم کرد. گروهی معتقد بودند این سبک تلگرافی پر زیبایی هرچه بیشتر آثار وی افزوده است<sup>۴</sup> و دسته‌ای هم بودند که سبک وی را خسته کننده و پیچیده خوانده، می‌گفتند آثار مخبرالسلطنه تنها به درد افرادی می‌خورد که در آن عصر زندگی می‌کردند و حتی معتقد بودند که بسیاری از نوشته‌های وی نامفهوم است.<sup>۵</sup>

درباره سبک نگارش هدایت به صورت تلگرافی باید به این نکته اشاره کرد که سعید وزیری در مقدمه جامع و کاملی که بر یکی از آثار هدایت نوشته، بر آن است که سبک تلگرافی، ویژگی تمامی آثار هدایت نبوده و به درستی هم اشاره به کتاب *افکار/امم هدایت* و نیز نامه‌های وی نموده که سبک تلگرافی در آن به چشم نمی‌خورد. سعید وزیری حتی معتقد است این سبک تلگرافی بیشتر در کتاب *خاطرات و خطرات* هدایت به چشم می‌خورد که در هنگام پیری و کم‌حوصلگی هدایت نوشته شده است و دلیل این کوتاه نویسی را هم، کهولت و کم‌حوصلگی هدایت می‌داند،<sup>۶</sup> اما هدایت ظاهراً خود چندان با این نظر موافق نبوده

۱. هدایت، *خاطرات و خطرات*، ص ۲۴۶

۲. تقی زاده، حسن، *زندگی طوفانی (خاطرات سید حسن تقی زاده)*، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ ص ۶۳۶

۳. هدایت، *گزارش ایران (قاجاریه و مشروطیت)*، ۱۳۶۳، ص ۲۵

۴. عاقلی، باقر، *خاندان‌های حکومتگر در ایران*، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۴؛ هدایت، *سفرنامه مکه*، ص ۱۰

۵. مکی، حسین، *تاریخ بیست ساله ایران*، جلد ۱، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴، ص ۶۷

۶. هدایت، *گزارش ایران (قاجاریه و مشروطیت)*، ۱۳۶۳، ص ۲۵

و خواسته یا ناخواسته به این دیدگاه وزیری پاسخ داده است، که چرا این چنین به مختصر نویسی و ایجاز تمایل داشته است:

هان نباید دید در حجم کتاب	چیست حاصل از عبارت، فصل و باب
در خور معنی اگر لفظ آوری	در به هر سطری به معنی بر خوری
مرمرا ایجاز مطلب شیوه است	زان به هر سطریش تازه میوه است <sup>۱</sup>

با وجود این دفاعیات، ظاهراً هدایت می‌دانست که آیندگان، وی را به سبب این سبک نگارش - ایجاز - به چالش خواهند کشید؛ از این رو در اینجا هم در صدد برآمد جواب ایشان را پیشاپیش بدهد. او بر این باور بود که «شاید معاصرین طرز مرا ایجاز مخل بدانند، اگر به حواشی می‌رفتم آیندگان اطناب ممل می‌خوانند»<sup>۲</sup>؛ او در جای دیگر در نقد زیاده نویسی چنین می‌گوید: «خواننده لای کتاب را که بر هم گذارد، از خاطرش رفته است؛ دیگر آنکه عبارت حجم کتاب را زیاد می‌کند و در موقع چاپ خرج بی‌جهت بر می‌دارد»<sup>۳</sup>. درباره اهمیت آثار هدایت و توجه به سبک ویژه او، همین یک نکته آخر بس که سال‌ها پس از فوت وی، مطالبی به صورت گزینشی همواره از آثار وی به مناسبت‌های مختلفی جدا شده و در مجله‌ها، روزنامه‌ها و غیره به چاپ می‌رسید که در این میان می‌توان به نکته‌هایی در تاریخ مشروطیت در مجله آینده اشاره نمود.<sup>۴</sup>

### معرفی آثار هدایت

باید یاد آور گردید از آنجا که درباره تعداد دقیق آثار هدایت اطلاعی در دست نیست، در این کار سعی شده ابتدا آن دسته از آثاری که در صحت و سقم انتساب آن‌ها به هدایت هیچ شک و شبهه‌ای نیست مورد بازخوانی واقع شود و سپس به معرفی آثار چاپ نشده او نیز نگاهی اجمالی خواهیم داشت:

### آثار تاریخی، ادبی و فلسفی

مهم‌ترین آثار هدایت که به دو صورت نثر و نظم در زمینه‌های تاریخی، ادبی و فلسفی به رشته تحریر در آمده، عبارتند از:

۱- **خاطرات و خطرات:** شاید به جرئت بتوان گفت که مهم‌ترین و حتی کامل‌ترین اثر هدایت، **خاطرات و خطرات** است که در واقع در بر دارنده بخش زیادی از نظرات و آراء اوست. این کتاب به صورت نثر و در سال‌های پایانی عمر هدایت، یعنی ۱۳۳۹ ه.ش / ۱۹۵۰ م نوشته شده است و از آن رو حائز اهمیت است که آخرین دیدگاه‌های هدایت را درباره مسائل گوناگون به تصویر می‌کشد و تا حدود زیادی دیگر آثار وی

۱. هدایت، *افکار امم*، ص ۵

۲. هدایت، *خاطرات و خطرات*، ص بیست و یک

۳. همان، ص ۱۶۴

۴. هدایت، مهدیقلی (مخبر السلطنه)، «نکته‌هایی در تاریخ مشروطیت»، *مجله آینده*، سال نوزدهم، زمستان (دی و اسفند)، ۱۳۷۲، شماره ۱۲-۱۰، ص ۹۷۱-۹۵۸.



را تحت الشعاع خویش قرار داده است تا بدان جا که بسیاری از آثار دیگر هدایت نسبت به این کتاب برای دانشجویان رشته تاریخ و بسیاری از علاقه‌مندان به کتب تاریخی ناشناخته است. مهم‌تر از همه آنکه هدایت در سال‌های پایانی عمر به سر می‌برده و چنان که خود اشاره کرده، بدون واهمه و محافظه کاری سیاسی، دست به نگارش این اثر خویش زده است. به ویژه آنکه در زمان نگارش این اثر، دیگر نه خاندان‌های اشرافی قدیم چندان قدرتی داشتند و نه از رضا شاه خبری بود که با چماق استبدادی روی سر وی قرار داشته باشد و مهم‌تر از همه آنکه سانسور در این دوره یعنی پس از شهریور ۲۰، به دلیل فضای سیاسی موجود، به حداقل خود رسیده بود. از همین روست که هدایت درباره این اثر خویش که بیشتر جنبه تاریخی - سیاسی دارد، چنین می‌گوید:

«غالب نصیحت کرده‌اند که در تاریخ تعصب نباید داشت و حقایق را باید نگاشت. [نباید] مذهب سیاسی را فدای حق‌شناسی کرد و گفته‌اند زبان سرخ، سر سبز را می‌دهد بر باد. از من گذشته است. عنقریب سر و زبانی باقی نخواهد بود. اگر راست بنویسم گروهی بدشان می‌آید و اگر دروغ بنویسم خودم بدم می‌آید. چه کنم؟ زشت و زیبا، دروغ و راست بسیار نوشته‌اند و همه خوانده می‌شود. ممیز صحیح و سقیم کیست؟ اوراقی بی‌حساب به چاپ رسیده است. از روی بی‌اطلاعی یا غرض، حق و باطل به هم بافته‌اند و افکار را آشفته‌اند. دروغ و تهمت بسیار گفته‌اند. به هفت رنگ در آمده‌اند، غالب بی‌رنگ یا نیرنگ، حرارت‌ها کرده‌اند همه برودت. من آنچه را صحیح دانسته‌ام می‌نویسم تو خواه از سختم پند گیر و خواه ملال و انشاء الله از خط اعتدال تجاوز نخواهم کرد»<sup>۱</sup>

به هر حال هدایت که برای تاریخ و قضاوت آیندگان اهمیت زیادی قائل بود بر آن شد که سیر کلی از تاریخ حیات خویش را که به نوعی با تاریخ معاصر ایران چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ فرهنگی پیوند تنگاتنگی خورده بود را به رشته تحریر در بیاورد. او بر این باور بود آنچه باقی خواهد ماند تنها تاریخ است و تاریخ را به نوعی درسی برای عبرت آیندگان می‌دانست که خطای گذشتگان را تکرار نکنند: «تاریخ را فایده آن است که بخوانند. مضرات اعمال را بدانند و آن را تجدید نکنند که نتیجه غیر این جنجال نخواهد بود»<sup>۲</sup>. این اثر هدایت چنان که از نام آن هویداست، در بردارنده خطراتی است که در طول دوران حیات مخبرالسلطنه هدایت برای وی به وجود آمده است و او آن‌ها را به صورت خاطرات به ثبت رسانیده است که در بردارنده سیری کلی از تاریخ معاصر ایران نیز هست. مخبرالسلطنه وقایع و حوادث دوران شش پادشاه - از دوران پادشاهی ناصرالدین شاه که در واقع آغاز ورود وی به دربار بوده است تا بخشی از دوران محمد رضا شاه پهلوی - که خود مشاهده نموده را به رشته تحریر در آورده است. اگرچه مطالب مربوط به این دو پادشاه یعنی ناصرالدین شاه قاجار و محمد رضا شاه پهلوی نسبت به سایر سلاطین که مخبرالسلطنه به صورت تنگاتنگی با آن‌ها در ارتباط بوده، از لحاظ کمی و کیفی در درجه پایین‌تری قرار دارد، ولی خالی

۱. هدایت، *خاطرات و خطرات*، ص بیست و هفت

۲. همان، ص بیست و چهار

از ارزش نیست.

کتاب *خاطرات و خطرات* مانند هر یک از منابع تاریخی نیز دارای قوت و ضعف‌هایی است. از جمله ویژگی‌هایی که برای این کتاب می‌توان بر شمرد، این است که هدایت در نگارش این کتاب، تنها به حافظه تاریخی خود در کهن‌سالی بسنده نکرده، بلکه از یادداشت‌هایی که در دوران نوجوانی نیز گرد آورده، بهره برده است چرا که پاره‌ای از اقوال وی حاکی از آن است که او دست نوشته‌هایی داشته و تا حدودی از آن‌ها بهره برده است، که البته این خود نقطه قوت آن محسوب می‌شود، چرا که احتمال صحت و سقم اثر و دقت در آن را بالاتر می‌برد. برای مثال می‌توان به دوران کودکی وی در این زمینه نهی‌بی زد که گویا از همان اوقات حداقل برای سرگرمی خویش خاطراتش را می‌نگاشته است. او در هنگام بازگشت از سفر ناموفق تحصیلاتی در آلمان که تازه در ۱۵ الی ۱۶ سالگی به سر می‌برده، بعدها در این کتاب چنین می‌گوید: «دو روز در تفلیس توقف افتاد تا وسایل حرکت به جلفا فراهم آمد. خاطر من نیست که قنصل ملاقات شد یا نه؟ در یادداشت‌های من نیست»<sup>۱</sup>، یا در جای دیگر می‌گوید: «از ایروان و نخجوان چیزی در یادداشت من نیست، به جلفا رسیدیم»<sup>۲</sup>.

چنانچه می‌دانیم، اکتفای بیش از حد پاره‌ای از رجال سیاستمدار تاریخ معاصر ایران بر حافظه تاریخی و نیز ذکر خاطراتی از وقایع مختلف بدون اینکه حتی در گذشته آن را ثبت کرده باشند، به نوعی منجر به تحریفات بسیاری در تاریخ ایران گشته و حتی شاید بتوان آن را به نوعی آسیب‌شناسی ساختاری و محتوایی متون این دوران دانست.

از دیگر نقاط قوت آن می‌توان به وجود اسناد<sup>۳</sup>، آمار و ارقام اقتصادی<sup>۴</sup>، ارائه اطلاعات جغرافیایی فراوان درباره ایران و راه‌های مواصلاتی<sup>۵</sup> و ذکر منابع و حتی روایات شفاهی موجود در کتاب اشاره نمود.<sup>۶</sup> در نهایت هم می‌توان مشاهده بسیاری از وقایع به طور عینی توسط وی را ذکر کرد.

اما از طرفی باید درباره نقاط ضعف این اثر نیز به مواردی چون کوتاه‌نویسی به سبک تلگرافی که در جای جای کتاب به چشم می‌خورد، اشاره نمود که تا حدود زیادی خواننده را در هنگام خواندن، دچار به اصطلاح یک نوع "سکته خوانشی" می‌نماید. چنان که در سطور قبلی اشاره گردید، این سبک منجر به آن شد پاره‌ای از افراد بر هدایت خرده‌گیری کنند. یکی از اشکالات اصلی دیگری که به ویژه از لحاظ تاریخی بر این اثر وارد است، آن است که در ذکر روایات به ترتیب تاریخی چندان بهایی نداده.<sup>۷</sup> مخبرالسلطنه به

۱. همان، ص ۲۹

۲. همان، ص ۳۰

۳. برای نمونه نک: همان، ص ۸۲ و ۷۶ و ۷۵ و ۶۵

۴. برای نمونه نک: همان، ص ۱۶۸ و ۱۶۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹

۵. برای نمونه نک: همان، ص ۲۴۷-۲۴۴

۶. برای نمونه نک: همان، ص ۱۰۹

۷. برای نمونه نک: همان، ص ۷۸ و ۷۷

ترتیب تاریخی روایات بهای چندانی در این کتاب نداده، ولی در این کتاب سعی اش بر آن بود که تنها به ذکر تاریخ و روایت تاریخی - آن هم به صورت خشک و کسل کننده - بسنده نکند؛ از همین رو سعی نموده تا آنجا که می‌تواند، به ذکر حواشی نیز بپردازد که از نظر خودش در غنی شدن هرچه بیشتر کتاب مفید واقع شده است. او در این باره می‌گوید: «شاید بعضی حواشی بیش از احوال من جلب توجه خوانندگان گرامی را بکند»<sup>۱</sup>. البته این ادعای هدایت تا حدودی ناقص سخنان قبلی خود وی است که تأکید بر ایجاز و مختصر نویسی داشته است (به سطور قبلی رجوع شود).

اما هدایت که ظاهراً می‌دانسته شاید به دلیل این حاشیه‌نگاری مورد نقد واقع شود، پس زودتر در صدد برآمده تا مثل همیشه پاسخی به ناقدین احتمالی خویش که چندان هم به خطا نرفته بود، بدهد: «من احوال خودم را بر وفق محفوظات و از خاطر نوشتم و بسیار مطالب است از ذهن دور می‌ماند و مطلب دیگر به خاطر می‌رسد. در رجوع به نوشتجات، بعضی حواشی در مورد خود یاد کردم و بعضی نوشته‌جات را لازم دانستم، عیناً ملحق کنم»<sup>۲</sup>. او حتی دلیل این الحاقیات را از آن رو می‌داند که نگارش زندگی شخصی وی و اتفاقات افتاده شده برای او در طول دوران حیاتش مهم نیست. آنچه از نظر وی مهم بود، گزارش‌ها و وقایعی است که برای خواننده اهمیت دارد.<sup>۳</sup> با چنین دیدگاهی بود که کتاب *خاطرات و خطرات* با حجمی بالغ بر پانصد صفحه در اختیار خوانندگان، علاقه‌مندان و پژوهشگران تاریخ معاصر قرار گرفته است.<sup>۴</sup>

**۲- تحفه مخبری:** شاید یکی از مهم‌ترین آثار مخبرالسلطنه هدایت که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، اثر منظوم وی یعنی *تحفه مخبری* یا *کار بیکاری* باشد. اولین چاپ این کتاب در سال ۱۳۳۰ ه.ش / ۱۹۵۱ م در زمان حیات خود مؤلف صورت پذیرفت. این اثر مخبرالسلطنه بالغ بر پانصد صفحه می‌گردد، ولی ظاهراً در بدو امر هدایت قصد نداشته اثری به این وسعت بنگارد و معتقد است ناخواسته به سرایش کل این اثر دست زده:

در دو بابم بود نیت از نخست	تا بگویم زیر و بالا را درست
بابی اندر خواسته‌ام الفتن	بابی اندر ارتباط مرد و زن
رشته لکن سر زحد بیرون کشید	من ندانم تا کجا خواهد رسید
از زمین تا آسمان میدان ماست	اندر این میدان ندانم حد کجاست

۱. همان ص ۲۹۱

۲. همان ص ۲۳۲

۳. همان ص ۲۷

۴. چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۲۹ ه.ش/ ۱۹۵۰ م، یعنی در زمان حیات خود مؤلف صورت گرفت، اما دیگر این کتاب چاپ نگردید تا اینکه در سال ۱۳۴۱ و ۱۳۶۱ ه.ش/ ۱۹۸۲ و ۱۹۶۲ م به ترتیب چاپ‌های دوم و سوم این کتاب با تلاش و زحمت بسیار از سوی مرتضی مدنی، توسط انتشارات زوآر به چاپ رسید. این اثر یکی از پر تیراژترین آثار هدایت بود که از لحاظ تعداد چاپ نیز بر سایر آثار هدایت برتری دارد. این مسئله خود نشان از اهمیت این اثر در میان آثار هدایت و به ویژه تاریخ معاصر ایران دارد که تا سال ۱۳۸۵ ه.ش/ ۲۰۰۶ م به پانزدهمین چاپ خود رسید.

هر زمان که فرصتم بودی و حال فصلی افزودم گهی پر قیل و قال<sup>۱</sup> با وجود آنکه هدایت وقت زیادی را برای نگارش این کتاب نسبت به سایر آثار خویش صرف نمود، ولی «تحفه مخبری» نسبت به آثار دیگر هدایت، چندان مورد توجه پژوهشگران، به ویژه آن دسته که تنها بر جنبه‌های سیاسی شخصیت مخبرالسلطنه متمرکز گردیده‌اند، قرار نگرفت. دلیل آن هم شاید از آن رو باشد که با وجود کتاب *خاطرات و خطرات* هدایت، بسیاری خود را بی نیاز از سایر آثار وی می‌دانند. ولی چنان که اشاره شد، آثاری از این دست مانند قطعات پازلی می‌ماند که با ندیدن آن‌ها تا حدود زیادی تمام جنبه‌های مخبرالسلطنه هدایت به ویژه افکار غیرسیاسی وی ناشناخته باقی خواهد ماند.<sup>۲</sup> با توجه به آنچه در این اثر منظوم آمده، ظاهراً آغاز این کار زمانی شروع می‌شود که وی از والیگری فارس در بحبوحه جنگ جهانی اول (۱۳۳۵-۱۳۳۱ ه.ق/ ۱۹۱۴-۱۹۱۸ م) عزل گردیده است.<sup>۳</sup> او ظاهراً عنوان اصلی کتاب را که همان «کار بیکاری» است نیز از همین جا، یعنی عزل از والیگری فارس و بیکاری خود الهام گرفته است:

کار بیکاری است تحفه مخبری خواهمت توفیق که از آن بر خوری

چون به بیکاری بشد انجام آن کار بیکاری نهادم نام آن

اما گستردگی اثر و مشغله‌های سیاسی هدایت عاملی گردید تا این اثر او که در چندین دفتر گرد آمده بود، دیرتر از سایر آثار وی در سال ۱۳۳۰ ه.ش / ۱۹۵۱ م به عنوان یکی از آخرین آثار مخبرالسلطنه به چاپ برسد. این اثر هدایت را باید چنان که خود وی هم اشاره کرده، دنباله یا به عبارت بهتر جلد دوم کتاب *افکار امم* وی دانست که در ادامه به توضیح آن نیز خواهیم پرداخت. این مطلب را تا حدود زیادی از روی ارجاعاتی که هدایت بعضاً به *افکار امم* در این اثر خویش داده، می‌توان پی برد، اما خود هدایت هم با این مسئله که این کتاب به نوعی جلد دوم و بسط دهنده *افکار امم* است نیز موافق بود:

آنچه تغییر اندر آتش راه نیست آن قضا باشد ندادند کس که چیست

آنچه تغییر اندر آن باشد مراد آن قدر باشد ره کون و فساد

شرح و بسطی داده استم اندرین رو به *افکار امم* بنگر ببین<sup>۴</sup>

اگرچه پاره‌ای از مطالب گرد آمده در این اثر با آنچه در *افکار امم* است، شباهت زیادی دارد و شاید بتوان گفت بسیاری از مطالب اشاره شده در این کتاب با آنچه در کتاب *خاطرات و خطرات* آمده نیز یکی است، ولی آنچه بر زیبایی هر چه بیشتر این اثر می‌افزاید، "نظم" بودن این اثر است که در قالب مثنوی سروده

۱. هدایت، *تحفه مخبری یا کار بیکاری*، ص ۳۱ و ۳۲

۲. اما به هر حال در سال ۱۳۸۷ ه.ش / ۲۰۰۹ م به کوشش محسن معینی این نسخه سنگی با تلاش‌های زیادی پس از تصحیح‌های مجددی که بر چاپ اول آن صورت گرفت، به چاپ رسید و امروزه به راحتی در اختیار محققان واقع شده است، که نگارنده این سطور هم از آن در لابه‌لای این تحقیق استفاده‌های فراوانی نموده است.

۳. همان، ص ۳۱

۴. همان، ص ۲۰۴

شده. این اثر توانایی هدایت را در به نظم کشیدن افکارش آشکار می‌سازد، و حتی منبعی برای آگاهی هر چه بیشتر از افکار غیرسیاسی هدایت نیز هست.

این کتاب که در بردارنده‌ی ناب‌ترین اندیشه‌های هدایت است، طیف وسیعی را از لحاظ محتوا و مضمون به خود اختصاص داده است. این کتاب در بردارنده‌ی تاریخ ایران از ادوار باستانی تا سقوط پهلوی اول به صورت بسیار مختصر و گذرا است<sup>۱</sup> لایه‌لای آن پر از حوادث سیاسی است که در تاریخ معاصر ایران و حتی دنیا اتفاق افتاده،<sup>۲</sup> اما هدایت این کتاب خود را تنها به روایت نگاری - تاریخی - محدود نکرده و بسیار از آن فراتر رفته که به نوعی همین امر باعث زیباتر شدن هرچه بیشتر این اثر گردیده است. او در این اثر خویش دست به طرح مباحث اخلاقی به صورت تمثیلی زده است که در این میان می‌توان به اشعاری نظیر «طبع موش» و «درخت بارور» اشاره نمود.<sup>۳</sup>

آنچه در این امر کار هدایت را قوت بخشیده، طرح اشعاری به صورت نمایشنامه است که می‌توان در این میان به اشعاری نظیر «نکاح مثلث» و «نکاح بزی» اشاره کرد.<sup>۴</sup> او در ضمن، در این کتاب اشاره به مباحث سیاسی، مذهبی، فلسفی، جامعه‌شناسی و حتی روان‌شناسی را نیز از یاد نبرده است. آنچه به آثار هدایت در زمینه فلسفی اهمیت خاصی می‌بخشد، عبارتند از اطلاعات و آگاهی‌های زیاد وی به مکاتب فلسفی و اجتماعی روز به ویژه آنکه هدایت به زبان‌های آلمانی و فرانسه، یعنی زبان فلسفه و فکر نیز به خوبی آشنایی داشته است. او در انتهای کتاب خویش هم به معرفی فیلسوفان و مکاتب مختلف که از نظر خود او چیزی نبودند جز «ایسمها» پرداخته و در بسیاری از موارد آن‌ها را به چالش کشیده است.<sup>۵</sup>

اما نکته جالب در خلق این اثر آن بود که اگر با اولین آثار طبع شده از هدایت مقایسه شود، تفاوت چندانی از لحاظ محتوا و سمت و سوی فکری مشاهده نمی‌شود. او در این اثر خویش به مانند سایر آثار، در همه جا بر آن است که به جدال «شرق و غرب» دامن زده، غرب را از لحاظ تکیه بر جنبه‌های مادی سرزنش کند و آن را نقطه ضعف آن دانسته، با تمام وجود در پی اثبات روح در مقابل اندیشه‌های ماتریالیستی غرب برآمده است.<sup>۶</sup> آوردن مسائلی از این دست در این کتاب آخر هدایت یعنی تحفه مخبری یا کار بیکاری، به شدت به چشم می‌خورد که شاید بی‌ارتباط با کهولت سنی هدایت و آگاهی وی به دوران پایانی حیات خویش نباشد. او همچنین در هر کجا که نامی از فلاسفه غربی آمده یا سخنی از ایشان آورده است، پشت بند آن به ذکر آیه‌ای از قرآن یا سخنی از بزرگان و ائمه اطهار با توجه به موضوع پرداخته است که برای شخصیتی نظیر

۱. همان ص: ۳۸۰ - ۳۹۷

۲. برای نمونه نک: همان، ص ۵۸ و ۵۰؛ ۴۸؛ ۳۱ - ۳۰

۳. برای نمونه نک: همان، ص ۱۵۳ و ۱۵۲؛ ۳۷؛ ۳۶

۴. برای نمونه نک: همان، ص ۲۳ و ۲۴

۵. همان، ص ۴۹۳ - ۵۲۰

۶. همان، ص ۲۳۸ - ۲۲۷

هدایت چنان که مصحح کتابش هم ذکر کرده، امری طبیعی می‌نماید.<sup>۱</sup> مخبرالسلطنه، این اثر خویش را راهنمای خوبی برای زندگی دانسته و همگان را توصیه می‌کند دستورالعمل‌های او را در این دنیای کوتاه و گذرا به کار ببندند. او که از نظر خویش بسیاری از فراز و نشیب‌های زندگی را پشت سر گذارده بود، همه را به نوعی در این کتاب گردآورده و به خوانندگان و کسانی که دستورالعمل‌های وی را به کار ببندند، مژده طی کردن این دنیا را به سلامتی می‌دهد:

حال بنگر از میان راه‌ها  
تحفهم را گر مکرر پی کنی  
تو چه خواهی کرد با این چاه‌ها  
راه خود را با سلامت طی کنی<sup>۲</sup>

اما آنچه دربارهٔ این کتاب و سبک آن می‌توان گفت، این است که - چنانچه محسن معینی، مصحح این کتاب هم ذکر کرده هدایت در پاره‌ای از اشعار خود از مثنوی معنوی کمک گرفته و با اندکی تغییر آن را به صورت منظومه‌ای در آورده است.<sup>۳</sup> علاوه بر این باید افزود هدایت تلاش بسیاری در ساده نویسی یا به عبارت بهتر ساده سرایی کرده، ولی وجود پاره‌ای لغات نامأنوس و لغات خارجی تا حدودی از زیبایی این اثر کاسته است.<sup>۴</sup>

**۳- گزارش ایران:** یکی از قطورترین و عظیم‌ترین آثار نگارش یافته توسط مخبرالسلطنه است که همان طور که از نام آن بر می‌آید، بیشتر دارای مضمون و محتوایی تاریخی است. در کل باید گفت این اثر از چهار جلد تشکیل شده که در بردارندهٔ تاریخ ایران از دوران پیش از اسلام تا کودتای ۳ اسفند ۱۳۹۹ ه.ش / ۲۲ فوریه ۱۹۲۱ است. ظاهراً هدایت طرح اولیه این کتاب را چنان که خود اشاره نموده، زمانی ریخته که عضو کمیسیون معارف بوده است. آنچه از ظاهر امر برمی‌آید، این اثر چنین وسیع و قطور نبوده و در واقع نگارش تاریخی آسان و بدون غرض و جانب‌داری برای آگاهی هر چه بیشتر کودکان بوده، اما بعدها پس از بازنستگی و فراغت از کار، به بسط آن پرداخته است.<sup>۵</sup> همچنین بر خلاف دسته بندی چهار جلدی که امروزه از این اثر هدایت صورت گرفته، خود هدایت طرح آن را تنها در سه بخش دانسته و بیان می‌دارد: «آن را بر سه بخش نهادم، بخشی قبل از اسلام، بخشی از ظهور اسلام تا آخر تیموریان، بخشی شامل دوره صفویه و افشاریه و زندیه و قاجاریه».<sup>۶</sup>

هدایت طرح اولیه این کتاب را که با تاریخ ایران باستان آغاز می‌شود، در واقع نگارش تاریخی برای کودکان دانسته و سپس بیان می‌کند هدف از بسط آن، دادن آگاهی به همگان بوده است، ولی پاره‌ای از پژوهشگران نظیر سعید وزیری معتقد بودند آنچه حداقل باعث نگارش جلد اول این کتاب گردید، ناراحتی

۱. همان، ص ۲۳

۲. همان، ص ۲۰۵

۳. همان، ص ۲۴

۴. برای نمونه نک: همان، ص ۴۹۲ و ۳۹۲؛ ۲۷۲ و ۲۷۱؛ ۲۶۷

۵. هدایت، گزارش ایران، جلد ۱، ۱۳۱۷، ص: ۴

۶. همان.

بررسی آثار و مکتوبات مهدی قلی هدایت/ هادی و کیلی - حسین احمدزاده

هدایت از تواریخ غربی بود که در آن‌ها مدام به شکست‌های ایران در مقابل یونانیان اشاره شده بود. از نظر وزیر، این مسئله هدایت را بسیار عصبانی نموده، باعث شده دست به نگارش این کتاب بزند.<sup>۷</sup> وزیر برای این ادعای خود به سخنان هدایت به کتاب دیگر وی یعنی *خاطرات و خطرات* استناد می‌کند که هدایت در آنجا چنین گفته است: «تاریخ و جغرافیای آلمان در حد اطنا ممل، از تاریخ ایران به فتوحات یونان قناعت می‌کنند. مخصوصاً قضیه ترموپیل مرا عصبانی می‌کرد که یک میلیون مردم نتوانستند راه پیدا کنند، آخر خائنی به آنها راه نشان داد. در تاریخ باستان مشروحاً نوشته‌ام و دروغ‌های تاریخی را کشف کرده‌ام»؛<sup>۸</sup> البته با توجه به صفات شخصی هدایت این نظر وزیر چندان بعید نمی‌نماید. از نظر نگارنده این سطور آنچه که شاید باعث نگارش این اثر از سوی هدایت شد، علاقه افراطی به ایران باستان نظیر پاره‌ای از تندروها نبود، بلکه احتمالاً وی با این کار خواسته به رسالت اصلی خویش، یعنی همان «جدال شرق و غرب» بپردازد.

این اثر چهار جلدی هدایت چنان که اشاره شد، با تاریخ ایران باستان آغاز می‌گردد و در بردارنده دوران کیانیان، اشکانیان و ساسانیان است که البته منظور از کیانیان در این جلد اول همان هخامنشیان است. هدایت در این اثر از اسامی شاهنامه بهره برده و چنان که در آن دوران باب شده بود، کیخسرو را همان کوروش دانسته و در اثر خود از این اسامی فراوان استفاده نموده است. این اثر با جمله اعراب به پایان می‌رسد و در کل دارای ۲۷۲ صفحه است جلد دوم این کتاب چنان که خود هدایت در عنوان کتاب آورده، از بعثت خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) آغاز و تا ظهور مغول ادامه یافته است، ولی در اصل این اثر تا پایان دوره آق قویونلو و قرا قویونلوها ادامه یافته که البته بسیار گذرا و خلاصه به این بخش‌های پایانی پرداخته شده. در کل این کتاب در بر دارنده ۴۸۰ صفحه است، اما آنچه در این مجموعه چهار جلدی دارای اهمیت بیشتری است، جلد‌های ۳ و ۴ این اثر است که در آن به صورت بسیار کامل و مفصل به تاریخ ایران اشاره شده. او جلد سوم کتاب خود را به دو بخش تقسیم کرده که در بخش اول آن که ۱۸۲ صفحه است به دوران صفویه، افشاریه و زندیه و در بخش دوم آن که به مراتب مفصل‌تر و دارای ۱۹۲ صفحه است، به بیان تاریخ ایران از ظهور آغا محمد خان قاجار تا شکل‌گیری مشروطه در ایران پرداخته شده است. در نهایت هم باید به جلد چهارم این اثر اشاره نمود که به راستی می‌توان آن را مهم‌ترین جلد این طرح عظیم - *تاریخ ایران* - دانست. این جلد که دارای ۳۲۰ صفحه و در بر دارنده دوران مشروطیت ایران است، در نهایت با کابینه مشیرالدوله و هم‌زمان با قدرت‌گیری رضاخان به پایان می‌رسد. البته وارد عصر پهلوی نشدن، امری بسیار طبیعی بود، چرا که رضا شاه هنوز زنده و بر اریکه قدرت بود و مخبرالسلطنه هم گویا حرف‌های زیادی داشت که آن‌ها را به آثار بعدی خود موقوف نمود. به همین دلیل است که با وجود پاره‌ای شباهت‌ها و تکرار مطالب در آثار مخبرالسلطنه، بررسی تک تک آثار وی حائز اهمیت است و در پاره‌ای از آثار او مطالبی به چشم می‌خورد که در سایر آثار وجود ندارد.

۷. هدایت، *گزارش ایران (قاجاریه و مشروطیت)*، ۱۳۶۳، ص ۱۵ و ۱۶

۸. هدایت، *خاطرات و خطرات*، ص ۱۱

همچنین باید یادآور شد که هدایت در این اثر خود سعی نموده که بیشتر به جنبه تحقیقاتی بها دهد و از ذکر روایات صرف و کپی برداری از آثار پیشینیان خودداری کند و این مطلب در دو جلد آغازین کتاب بیشتر به چشم می خورد، چنان که حتی می توان دید وی با شجاعت هر چه تمام تر، مستشرقان معروفی نظیر نلدکه را هم به چالش کشیده و از اینکه ایرانیان و محققان، تنها تقلید کننده غربیان هستند، دچار ناراحتی شده و معتقد است «جهت ندارد که ما روایات اجنبی را بر روایات خودمان ترجیح بدهیم»<sup>۱</sup>، اما این سخنان بدین معنا نیست که هدایت به هیچ یک از منابع دسته دوم و تحقیقاتی در زمینه ایران باستان و سایر آثار متأخرتر در نگارش این اثر خود نگاهی نینداخته است. اینکه وی احتمالاً اقتباس های زیادی از روی اثر جد خویش یعنی رضا قلی هدایت نموده است، به خوبی بارز و مبرهن است. او در جایی چنین می گوید: «چنان که نگاشته اند و هدایت جد نگارنده در نژاد نامه از تألیفات خود یاد کرده ..»<sup>۲</sup>. این جمله هدایت بیانگر استفاده او از آثار پیشینیان و جد خود یعنی رضا قلی خان هدایت در این اثر است.

شاید یکی از عیوب بزرگی را که بتوان برای این اثر هدایت برشمرد، سبک نگارش آن است که خواننده را به اصطلاح با "سکته خوانشی" مواجه می نماید. دلیل آن هم واضح است، چنانکه از نام این کتاب یعنی «گزارش ایران» برمی آید نویسنده، به صورت مسلسل وار به ذکر گزارش هایی به ویژه در بخش های پایانی پرداخته که گاهی هیچ ارتباطی با هم نداشته و خواننده را با سر در گمی مواجه می سازد.<sup>۳</sup>

**۴- افکار امم:** این اثر مخبرالسلطنه تا حدود زیادی با سایر آثار وی متفاوت است. عاملی که موجب گردید مخبرالسلطنه دست به آغاز نگارش این کتاب بزند نیز جالب توجه است. او زمانی تصمیم به نگارش این کتاب گرفت که طی خوابی عجیب به او الهام شد که باید به چیزی دعوت نماید. ظاهراً هدایت پس از آنکه دختر کوچک خود را از دست می دهد، به شدت در غم و اندوه فرو می رود و این مسئله تأثیر بسیار بدی بر وی گذاشته بود و حتی منجر به آن شد که هدایت را منزوی و وادار به ریاضت نماید. او معتقد است که در اثر همین ریاضت و چله نشینی بود که به وی الهام شده دست به نگارش اثری مانند *افکار امم* بزند: «پس از فوت او و یک چله و نیم ریاضت، خوابی دیدم و از اثر آن ریاضت دانستم ... خواب دیدم در اطاق خود نشسته ام. خطابی به من رسید که دعوت کن، متحمل نشدم. بار دیگر همان خطاب را شنیدم. متأمل شدم. گفتم: به ختم نبوت معتقدم چه دعوت کنم. کرت سوم کتابی ساخته و پرداخته پیش من گذارده شد که به این کتاب دعوت باید کرد و خالی از عتابی نبود. جای انکار نماند... کتاب *افکار امم* را که نوشتم، به

۱. هدایت، مهدیقلی (مخبرالسلطنه)، *گزارش ایران*، قسمت دوم، بی نا: بی جا، ۱۳۳۳، قسمت یادداشت ها

۲. همان، ص ۸ و ۴

۳. چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۱۷ ه.ش / ۱۹۳۸ م در زمان حیات خود نویسنده به چاپ رسید. این اثر چهار جلدی دیگر هیچ گاه به طور کامل به چاپ نرسید. اما در سال ۱۳۶۳ ه.ش / ۱۹۸۴ م انتشارات جام بخش آخر این کتاب را تحت عنوان «طلوع مشروطیت» به چاپ رسانید که تنها در بردارنده تاریخ قاجار، از دوره مظفرالدین شاه تا روی کار آمدن رضا خان است، اما یک سال بعد انتشارات نقره نیز به اقدامی مشابه دست زد و این کتاب را به چاپ رسانید. اما تفاوت در این جا بود که انتشارات نقره تاریخ دوران قاجار را از آغاز شکل گیری به چاپ رسانید.



خاطرمد آمد که شاید این کتاب باشد»<sup>۱</sup>.

این اثر ۲۴۲ صفحه‌ای مخبرالسلطنه با آفرینش آدم ابوالبشر شروع گردیده و دربارهٔ پیدایش جهان هستی و مراحل مختلف شکل‌گیری آن از لحاظ زمین‌شناسی مطالبی را عرضه کرده است، سپس به مسائلی نظیر انسان و آفرینش آن پرداخته شده است.<sup>۲</sup> یکی از ظرافت‌های این اثر آن است که مخبرالسلطنه به خوبی هر چه تمام‌تر، دریافته که باید برای بررسی مذاهب، از ساده‌ترین نوع آن‌ها شروع به تحقیق نماید و از همین رو از ساده‌ترین آن‌ها، یعنی توت‌پرستی و نیز اعتقاد به مظاهر طبیعت شروع نموده است.<sup>۳</sup>

این کتاب هدایت چنانچه از نامش هم آشکار است، به بیان و بررسی افکار امم و به عبارت بهتر بررسی افکار قاره‌ها و سپس ملل مختلف پرداخته است. وی در بدو امر، آفرینش را از دیدگاه اقوام مختلف و از منظر اساطیر و افسانه‌های متعلق به هر یک از آن‌ها بررسی نموده است. او سپس با تفصیل هر چه بیشتر، از عقاید آریایی‌ها و نیز مذاهب مزدایی، مانویت، و مزدکی یاد کرده و به صورت هر چه جزئی‌تر از عقاید و آداب رسوم ایشان سخن رانده شده است. او در این باره مانند همیشه به ذکر سخنانی از بزرگان نیز پرداخته است. در این کتاب تنها به مواردی از این دست بسنده نشده و بررسی ادیان و حتی فروع آن، نیز مدنظر واقع گردیده است. اما آنچه که باید اشاره شود، این است که دیدگاه‌های ذکر شده دربارهٔ سایر اهل کتاب، تنها از دیدگاه اسلام صورت پذیرفته،<sup>۴</sup> که شاید به نوعی یکی از نقاط ضعف این کار محسوب شود. او در این بخش از اثر خویش، سپس به بررسی اسلام، از منظر فقه شیعه می‌پردازد.<sup>۵</sup> در اینجا هم برای اثبات سخنان خود و بالا بردن ارزش اثر خویش و علمی نمودن هر چه بیشتر آن، به بررسی اسلام از دیدگاه اندیشمندانی نظیر گوته پرداخته است.<sup>۶</sup>

این چنین است که بخش اول این اثر هدایت که از دو بخش تشکیل شده به پایان می‌رسد. در بخش دوم بیشتر به بررسی حکمت، اقوال و نظریات اندیشمندان می‌پردازد. این بخش بیشتر جنبه فلسفی داشته و در آن البته به مباحثی از قبیل عالم شمسی، توارث و تحول، اخلاق و روح نیز اشاره شده است. اما آن چه که در هر دو بخش این اثر هدایت به چشم می‌خورد، اثبات جهان دیگری به غیر از این جهان مادی است و از این رو در صدد اثبات روح در بدن از زوایای مختلف برآمده است.

در انتها هم باید نگاهی به سبک و نگارش/افکار/امم داشت و باید خاطر نشان نمود، در این اثر هدایت مختصر نویسی و یا ایجاز به مانند سایر آثار وی که به سبک "تلگرافی" معروف شده به چشم نمی‌خورد. اگر چه هدایت در این اثر خود تلاش بسیاری نموده تا از مسیر ساده نویسی خارج نشود و از آوردن اصطلاحات

۱. هدایت، *خاطرات و خطرات*، ص ۶۶ و ۶۷

۲. هدایت، *افکار امم*، ص ۲-۴

۳. همان، ص ۴ و ۵

۴. همان، ص ۱۳۳ - ۱۳۵

۵. همان، ص ۱۳۵ - ۱۴۱

۶. همان، ص ۱۴۳ و ۱۴۹

دشوار به پرهیزید، ولی به دلیل مضمون و محتوی اثر، خواه نا خواه آن را تبدیل به اثری نمود که بیشتر قابل فهم برای اهل فن باشد تا عامه مردم. چنانکه اشاره شد، این اثر هدایت گنجایش تمام آراء و افکار هدایت را نداشت. از همین رو بود که خود در همین اثر خبر از نگارش اثری دیگری می‌دهد تا به نوعی مکمل کتاب/افکار/امم گردد: «مباحث نظری مشروح‌تر از آن بود که در این کتاب بگنجد و من در جلد دیگر که در دستت بدان خواهم پرداخت»<sup>۱</sup>. این اثر چیزی نبود جز تحفه مخبری یا همان کار بیکاری که در قسمت مربوط به خویش به عنوان جلد دوم/افکار/امم معرفی گردید (به صفحات قبلی مراجعه شود)<sup>۲</sup>. آنچه این اثر هدایت را قابل توجه می‌نماید، همان دایرة اطلاعاتی وی است که در اثر سفرهای زیادش و آگاهی از سایر نقاط دنیا و نیز تسلط به چند زبان خارجی، حاصل گردیده بود و همگی دست به دست هم داد تا اثری متفاوت از هدایت خلق گردد که کتبی از این دست، با این سبک و محتوا در آن دوره کمتر به چشم می‌خورد.<sup>۳</sup>

**۵- بر من چه گذشت:** این اثر هدایت یا به عبارت بهتر این جزوه ۴۴ صفحه‌ای، اثری منثور و منظوم بوده است، که شاید بتوان این اثر را پایه دو اثر اصلی منثور و منظوم هدایت یعنی *خطرات و خطرات* و *تحفه مخبری* دانست. از شواهد چنین برمی‌آید که، این کتاب بنا به درخواست اطرافیان هدایت نگاشته شده است و البته طبق معمول، زمانی این کار صورت گرفته که، هدایت دارای منصب سیاسی نبوده و چنان که خود معتقد بود، داشت از زمان بیکاری خویش بهره‌مند می‌گردید.<sup>۴</sup> البته با توجه به ویژگی‌های شخصی هدایت، تمایل خود وی نسبت به این کار را هم نباید نادیده انگاشت.

در این جزوه به غیر از زندگی سیاسی هدایت، تا حدودی به افکار او در سایر حوزه‌ها هم اشاره شده، ولی قسمت اصلی این کار، همان زندگانی سیاسی وی است که البته مطالب خاصی نسبت به دو اثر اصلی هدایت ندارد. این کار مختصر هدایت در بهمن ماه سال ۱۳۲۲ه.ش / ۱۹۴۳م به پایان رسید و در سال ۱۳۲۳ه.ش / ۱۹۴۴م به چاپ رسیده و در اختیار خوانندگان قرار گرفته است. از انصاف نباید گذشت که اگرچه در این کتاب مطلب جدیدی به چشم نمی‌خورد، ولی هنر هدایت را در دو امر هویدا می‌سازد. از یک سو، او به خوبی زندگی خویش را به دو سبک، یعنی منظوم و منثور ارائه نموده است و از طرفی دیگر، این دوره بس طولانی از حیات سیاسی و اقدامات فرهنگی خویش را به صورت مختصر به تصویر کشیده که بسیار قابل توجه می‌نماید.

۱. همان، ص ۲۲۷

۲. چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۲۲ه.ش / ۱۹۴۳م صورت پذیرفت و تا آنجا که نگارنده مطلع است، دیگر از روی این اثر وی به مانند بسیاری از آثار هدایت، چاپ مجددی صورت نگرفت.

۳. همان، ص ج

۴. هدایت، بر من چه گذشت، ص ۲

## آثار آموزشی و تعلیمی هدایت

چنان که در زندگینامهٔ سیاسی هدایت اشاره شد، قبل از آنکه وی به سیاست وارد گردد، بیشتر در زمینه‌های فرهنگی که مهم‌ترین آن تلاش در جهت بهبود مدارس نوپای ایرانی بود، گام برمی‌داشت. او که خود و اجدادش سال‌ها در مدارس ایران در سمت‌های مختلفی خدمت نموده بودند و بعدها هم که ابتدا وارد سیاست شد به مناصبی چون وزارت علوم رسید، گویا تا حدود زیادی از مشکلات آگاه بود. وی یکی از مشکلات اصلی دانش‌آموزان را عدم برخورداری از کتاب‌های مفید و سودمند می‌دانست. از همین رو آثاری از خویش نیز در این زمینه به جا گذاشت. از جمله مهم‌ترین آثار آموزشی هدایت می‌توان از آثاری چون دستور تعلیم الفباء برای تذکار خاطر آموزگاران، فواید الترجمان و میزان الصرف یاد کرد.

**۱- دستور تعلیم الفباء برای تذکار خاطر آموزگاران:** در باره نگارش این اثر از سوی مخبرالسلطنه باید گفت که او همراه اشخاص سرشناس و دلسوزی نظیر حسن مشیرالدوله و یحیی دولت‌آبادی از سوی کمیسیون معارف، مسئول تنظیم و تألیف کتابی برای شاگردان کلاس اول گردیدند،<sup>۱</sup> اما ظاهراً وی در این میان تلاش‌های بیشتری کرده، چنان که اشاره شده با حوصله‌ای فراوان، این کتاب را به زبانی ساده و نیز آنچنان که شیوه هدایت بود، با استفاده از اشعار ساده به پایان رساند.<sup>۲</sup> این کتاب ۱۵۰ صفحه‌ای به صورت جیبی و در دو بخش به چاپ رسید. بخش اول دارای سی و دو درس و یک خاتمه است. این کتاب چنان که از نامش آشکار است، در بخش اول بیشتر به مقررات و روابط بین معلم و دانش‌آموز اشاره کرده است. اما نکته جالب اینجاست که بر خلاف نام کتاب، در این اثر به مسائل حساب و ریاضیات به صورت بسیار سطحی چنان که قابل فهم برای دانش‌آموزان کلاس اول ابتدایی باشد، اشاره شده است. اما در بخش دوم کتاب به نکته‌های بسیار خوبی اشاره گردیده که در آن دوره کمتر از سوی معلم و دانش‌آموز مورد توجه واقع می‌گردیده. به عنوان مثال می‌توان به مواردی از این دست اشاره نمود که از نظر هدایت کلاس درس نباید به صورت یک جانبه گردد که تنها معلم حرف بزند یا دانش‌آموزان چیزی را طوطی‌وار حفظ نمایند. او معتقد است معلم باید از مثال‌های غیردرسی و حتی خارج از کتاب برای پروراندن ذهن دانش‌آموز استفاده نماید. او حتی معلمان را همواره ترغیب به تشویق دانش‌آموزان برای فراگیری درس می‌کند.<sup>۳</sup> این مسئله با توجه به آن دوران که هنوز سبک مکتب‌خانه‌ای در ایران حکم‌فرما بود، یک حرکت رو به جلو محسوب می‌شد. درباره این اثر باید افزود که تعلیم آن تنها به تهران یا مدرسه خاصی محدود نشده و در سایر شهرهای ایران نظیر مازندران و آذربایجان نیز مورد استفاده قرار گرفته، حتی درخواست‌هایی از این شهرها برای ارسال کردن نسخه‌ای از این کتاب برای چاپ و توزیع در دست است؛<sup>۴</sup> همچنین اسنادی هم در دست است که خبر می‌دهد رفته رفته این اثر مخبرالسلطنه بسیار فراگیر شده بوده و حکم تدریس آن در تمام مدارس

۱. هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، دستور تعلیم الفباء برای تذکار خاطر آموزگاران، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا، ص ۳

۲. یغمائی، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، ص ۶۵

۳. هدایت، دستور تعلیم الفباء برای تذکار خاطر آموزگاران، ص ۱۰۴

۴. ن.خ. شماره: ۲۹۷/۲۶۹۴۷؛ الف؛ ن.خ. شماره ۲۹۷/۲۷۶۹۱؛ الف

ایران و حتی مدارس اکابر نیز صادر گردیده بوده.<sup>۱</sup>

در نهایت هم باید افزود چیزی که هدایت هیچ‌گاه از آن غفلت نکرده؛ یعنی پرورش افکار و عقاید مذهبی دانش‌آموزان، در این کتاب نیز مدنظر قرار داده شده است، زیرا او به خوبی می‌دانست، بچه‌ها در این سن، بیشترین قابلیت را برای پذیرش و شکل‌پذیری از بسیاری جهات دارند و در انتهای کتاب نیز به این امر اشاره شده است.<sup>۲</sup>

**۲- فواید ترجمان یا دستور سخن فرانسه به فارسی برای تدریس در مکاتب علمیه: آنچه** درباره این کتاب می‌توان گفت، آن است که ظاهراً زمانی که هدایت خود به تعلیم فرانسه می‌پرداخته، در صدد نگاشتن رساله‌ای برای یادگیری نوآموزان این زبان برآمده است. او حتی نسخه‌هایی هم تهیه کرده و در دسترس علاقه‌مندان قرار داده است. ولی اینکه هدایت خواسته این اثر خود را به مانند سایر آثار خویش ماندگار کند یا اینکه چنان که خود اشاره کرده نیاز هر چه بیشتر دانش‌آموزان به کتبی از این دست باعث انتشار این کتاب از سوی هدایت شده، دقیقاً مشخص نیست. بنا بر ادعای خودش: «در اوقاتی که این بنده تحصیل فرانسه می‌کردم، بر شیوه اسلوب معروف عالم این رساله را ترتیب داده، همیشه به خاطر داشتم که با انتشار آن، خدمتی به ابنای وطن کرده باشم. اینک که احتیاج نوباوگان وطن بیشتر از پیش تر بدین رساله دیدم، به طبع آن اقدام نمودم».<sup>۳</sup>

این کتاب هدایت مانند دیگر کتب آموزشی وی، به صورت جیبی و در ۳۳۱ صفحه انتشار یافته است. هدایت این اثر خود را به مظفرالدین شاه تقدیم نموده، چرا که از نظر هدایت این مظفرالدین شاه بود که درهای علم را روی ایرانیان گشود.<sup>۴</sup>

این کتاب در بردارنده ۶۰ درس است که تعلیم فرانسه را از پیش پا افتاده‌ترین سطح شروع شده و در هر درس به یکی از مباحث لازمه برای یادگیری زبان فرانسه پرداخته شده هر درس شامل یک لغتنامه و یک lecture یا به قول هدایت همان «قرائت» است. اما در مواقع لازم در این کتاب به ذکر پاره‌ای از تمرین‌ها و conversation یا به قول هدایت «مکالمه» پرداخته شده است. هدایت مدت‌ها قبل، قصد به چاپ رساندن این کتاب را داشت، ولی تا سال ۱۳۳۰ ه.ش / ۱۹۵۲ م موفق به این کار نشد و در نهایت هم پس از چاپ، چنانچه اشاره شد این کتاب را به مظفرالدین شاهی تقدیم نمود که یادش در اذهان بسیاری از ایرانیان آن دوره، به عنوان یکی از بانیان اصلی تأسیس مدارس به سبک نوین باقی مانده بود.

**۴- میزان صرف:** از دیگر کتب آموزشی که هدایت در زمینه آموزش و تربیت دانش‌آموزان نگاشت، کتابی در زمینه صرف و نحو عربی بود. او که کتب آموزشی مختلفی را برای یادگیری فارسی، فرانسه و

۱. ن.خ. شماره: ۲۹۷/۳۳۵۰۹ الف-۲؛ ن.خ. شماره ۲۹۷/۲۶۶۹۹ الف

۲. هدایت، دستور تعلیم الفباء برای تذکار خاطر آموزگاران، ص ۱۴۷-۱۴۹

۳. هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، فواید الترجمان یا دستور سخن فرانسه به فارسی برای تدریس در مکاتب علمیه، تهران، مطبعه فاروس، چاپ چهارم، ۱۳۳۰، ص مقدمه

۴. همان، ص ۱۴۴

آلمانی نوشته بود، حال نوبت به آن رسیده بود که دست به نگارش کتابی بزند که زبان دین و مذهب وی بود. این کتاب در ۱۷۹ صفحه است که به صورت چاپ سنگی در اختیار دانش‌آموزان یا معلمان قرار گرفت. این کتاب به فصل‌های مختلفی تقسیم شده که در هر فصل به توضیح قاعده‌ای از زبان عربی پرداخته شده. در ابتدای کتاب توضیح و تعریف اسم، حرف و فعل آمده است. او در این اثر خویش - چنان‌که رسم و شیوه معمول او بوده - به بیان اشعاری برای کمک به فهم هر چه بیشتر مطلب پرداخته است. این کتاب در کل به دو باب تقسیم شده و باز هر باب خود در بردارنده فصل‌هایی است او در انتهای کتاب، بخشی را تحت عنوان خاتمه افزوده که در آن سؤال‌هایی را برای نوآموزان، طرح کرده است.<sup>۱</sup> این کتاب مانند بسیاری از آثار هدایت، تنها یک بار در سال ۱۳۰۰ ه.ش / ۱۹۲۱ م، توسط مدرسه دارالفنون به چاپ رسید.

البته باید توجه داشت از آنجا که در آن زمان تعداد مدارس نوپای ایران بسیار محدود بود، در آغاز شکل‌گیری مدارس، هر یک از ایشان بیشتر به تدریس مفاد آموزشی دلخواه بانیان یا متولیان خویش می‌پرداختند؛ از این رو نباید گمان داشت که این آثار آموزشی هدایت در تمام مدارس ایران و به صورت هم‌زمان مورد استفاده واقع شده است.

### سفرنامه، آثار جغرافیایی، نجوم و موسیقی

۱- **سفرنامه مکه:** این اثر مخبرالسلطنه - چنان که از عنوانش می‌توان حدس زد - در بردارنده سفرنامه تشریف هدایت به مکه معظمه از طریق چین، ژاپن، آمریکا، اروپا و در نهایت ایتالیا و اسکندریه است. پس از آنکه امین‌السلطان در ۲۲ جمادی الآخر ۱۳۲۱/۱۵ سپتامبر ۱۹۰۳ از منصب صدارت مظفرالدین شاه عزل شد، توفیقی اجباری نصیب وی گردید تا راهی زیارت خانه خدا شود، ولی در واقع به حکم مظفرالدین شاه بود که او از کشور خارج گردید.<sup>۲</sup> امین‌السلطان پس از آنکه تصمیم به این سفر گرفت از مخبرالسلطنه هم درخواست همراهی نمود. مخبرالسلطنه هم که از دانش خوبی برخوردار بود و به ویژه از چند زبان خارجی به خوبی آگاهی داشت، با کمال میل این درخواست امین‌السلطان را اجابت نمود تا ضمن مترجمی امین‌السلطان، بازدید هم از مناطق مختلف جهان داشته باشد. این اولین سفر بلند مدت مخبرالسلطنه بود که همسر و خانواده خود را ترک می‌کرد، اگرچه بعدها بارها دست به این سفرهای تفریحی و کاری زد و همواره خانواده خود را در تنهایی گذارد. ظاهراً مخبرالسلطنه در هنگام حرکت - چنان‌که خود اشاره نموده - دچار یک نگرانی می‌گردد و آن هم «در خصوص مدرسه علمیه [بود] که تحت مراقبت مخصوص من (هدایت) رونقی پیدا کرده بود».<sup>۳</sup> اما در نهایت هدایت که مرد سفر بود و همواره خانواده خود را تنها می‌گذارد، این بار نه تنها مصمم به سفر گردید، بلکه با تمام وجود اتابک را هر چه بیشتر تحریک به این

۱. هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، میزان الصرف، تهران، دارالفنون، نسخه سنگی به شماره: ۵۴ / T- شماره ثبت:

۸۲۱۱۹، کتابخانه آستان قدس رضوی، ۱۳۰۰، ص ۱۶۹

۲. هدایت، سفرنامه مکه، ص ۲۶۲

۳. همان، ص ۳

سفر کرد که مبدا پشیمان گردد.<sup>۱</sup>

نکته جالب درباره این سفرنامه آن است که خواننده با دیدن عنوان این اثر، ممکن است گمان برد که مانند سایر حج‌نامه‌ها و سفرنامه‌های تشرف به مکه معظمه، در بردارنده آداب و مراسم حج و حتی اطلاعات وسیعی از این دست است. اخیراً این اثر هدایت جزو مجموعه‌ای عظیم، توسط محققى پر تلاش گرد آمده است، اما باید خاطر نشان نمود از آنجا که این مجموعه تنها در بردارنده حج‌نامه‌های دوره قاجاری است، سفرنامه مخبرالسلطنه به صورت کامل در آن مجموعه نیامده تنها بخش مربوط به مکه و حج آن آورده شده است.<sup>۲</sup> **سفرنامه مکه** در واقع در بردارنده سفر امین‌السلطان و مخبرالسلطنه همراه چند تن دیگر به دور دنیا است که مقصد نهایی ایشان مکه معظمه بود. طی این سفر، مخبرالسلطنه که ظاهراً یادداشت‌برداری نیز می‌نموده، بعدها که به خلق این اثر پرداخته، از این یادداشت‌ها استفاده کرده و با ظرافت خاصی به توصیف جغرافیا و آداب و رسوم و فرهنگ این کشورها - به ویژه چین و ژاپن - پرداخته است. آنچه کار هدایت را با بسیاری از سفرنامه‌های دیگر متمایز می‌کند، آن است که وی بعدها با مراجعه به کتب و منابع معتبر، اطلاعاتی را بر این اثر خویش می‌افزاید تا علاوه بر شرح سفر، به افزودن اطلاعات خوانندگان خود نیز بپردازد.<sup>۳</sup> او در این سفر مانند بسیاری دیگر که در آسیا به دنبال الگوی مناسبی برای انجام اصلاحات در ایران به تأسی از آن کشور بودند، ژاپن و زمامداران و مردم آن را به شدت می‌ستاید.

نسخه‌هایی از دست نوشته سفر دوره کره مخبرالسلطنه در اوایل دوران مشروطیت در اختیار پاره‌ای قرار داشته، ولی برای بسیاری از ایرانیان مشروطه‌خواهی که در آن دوره همواره به پیشرفت‌های ژاپن استناد می‌کردند، ناشناخته بوده، چرا که در منابع انتقادی این دوره مطالبی که از این اثر اقتباس شده باشد، به چشم نمی‌خورد و تنها چند تنی نظیر مظفرالدین شاه - که علاقه خاصی به این مسائل داشته - از آن آگاهی‌هایی داشتند، که آن هم توسط خود مخبرالسلطنه در آخرین روزهای حیاتش و بر بالای بالینش به صورت شفاهی قرائت می‌گردیده است. بعدها هم که در سال ۱۳۲۴ ه.ش / ۱۹۴۵ م به چاپ رسید، دیگر ایرانیان از آن شیفتگی سابق نسبت به ژاپن برخوردار نبوده و این اثر بیشتر تبدیل به یک اثر علمی گردید تا کاربردی؛ همچنین باید افزود اهمیت این اثر به عنوان یک منبع، چنان ماندگار شد که حتی امروزه به عنوان یک منبع تاریخی در ارتباط با سیر روابط ایران و ژاپن مورد استفاده بسیاری از پژوهشگران قرار می‌گیرد.<sup>۴</sup> اهمیت این بخش از اثر هدایت تا بدان جا بود که بخش مربوط به سفر ژاپن، به صورت اثری مستقل علاوه

۱. همدانی، علی‌کرم، «ما و ژاپن: گزارش مخبرالسلطنه از ژاپن در آغاز قرن ۲۰»، ماهنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، خرداد و تیر، ۱۳۸۱، ۱۲۷ و ۱۲۸.

۲. هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، بهره ژاپن از سفرنامه تشرف به مکه معظمه از طریق چین - ژاپن - امریکا (۱۳۲۱ ه.ق/ ۱۹۰۴ - ۱۹۰۳ م.)، گردآوری هاشم رجب‌زاده، ترجمه ژاپنی: توشیمی ایتو؛ ترجمه انگلیسی: پری آزونند - مختاری، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۸۹، ص ۴۳۹ - ۳۸۵

۳. هدایت، سفرنامه مکه، ص ۲۷۴ و ۲۷۵

۴. در این باره نک: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۵۶ و ۵۷، خرداد و تیر ۱۳۸۱ ه.ش

بر زبان فارسی، به دو زبان ژاپنی و انگلیسی هم به چاپ رسید.<sup>۱</sup> هدایت علاوه بر دو کشور چین و ژاپن، در سفرنامه خویش، اطلاعاتی نیز درباره کشورهای اروپایی و آمریکا می‌دهد که البته بسیار کوتاه است. هدایت و همراهانش طی این سفر، آن قدر وقت خود را به بازدید در مناطق و کشورهای مختلف صرف نمودند که حتی در بین راه به دلیل کمبود وقت تصمیم می‌گیرند هدف اصلی خویش، یعنی زیارت خانه خدا را به سال بعد موکول نمایند. اما ظاهراً چنان که هدایت اشاره می‌کند، بر شیطان رجیم لعنت فرستادند و با شتاب هر چه تمام‌تر، راهی زیارت خانه خدا گردیدند.<sup>۲</sup> این هیئت که سفر خویش را با بازدید از کشورهای چین و ژاپن شروع کرده بود، در ادامه راهی آمریکا و سپس اروپا گردیدند. سفر هدایت و همراهانش برخلاف چین و ژاپن، چندان در کشورهای آمریکایی و اروپایی به درازا نکشید و در نهایت هم در راه عزیمت به خانه خدا، راهی ایتالیا و از آنجا به اسکندریه و سپس به زیارت مکه و مدینه مشرف می‌شوند. از اینجا به بعد سفرنامه از حالت صرف دادن اطلاعات درباره اماکن مختلف تا حدود زیادی خارج شده و حالتی روحانی به خود گرفته و مخبرالسلطنه نیز این حالات را به خوبی توصیف می‌نماید، به طوری که حتی خواننده می‌تواند به خوبی خود را در این فضای روحانی مجسم نماید، که در واقع این قدرت قلم مخبرالسلطنه را به تصویر می‌کشد.<sup>۳</sup>

اما با همه این تفاسیر، او باز هم از نسبت دادن اماکن مقدسه و اسلامی و ارتباط دادن آن با مسائل سیاسی روز در این کتاب دست برنداشت و به قول خودش: «من نماز جمعه را به انجمن‌ها تشبیه کرده‌ام و مکه را به مجلس».<sup>۴</sup> اشاره به این نکته تا حدودی بیانگر این است که هدایت هم ظاهراً بین دین و دولت جدایی نمی‌دانست، اما باید یاد آور شد که او بیشتر در پی اتحاد سیاست با دینی بود که خود به تفسیر آن می‌پرداخت، نه آنچه عالمان این فن دست به تفسیر آن می‌زدند.

هدایت که به شعر و شاعری علاقه وافری داشت و می‌خواست به نوعی در تمام آثارش چندبیتی از سروده‌های خود را بیاورد، این بار هم انتهای این اثر را با شعر به پایان رساند. او به خوبی در چند بیت، همه سفر خود را این چنین به تصویر می‌کشد:

در مغرب و مشرق چه منازل که بدیدیم  
از چین و ژاپن وز ره آمریکا گذشتیم  
بس آب و بسی خاک که دیدیم در این راه  
تا خاک اروپا چه مسافت نوشتیم  
یک دور گره کَر و فَر خلق بدیدیم  
در خاطر خود آنچه بدیدیم، بهشتیم  
هر چند صَباحی هُتلی مسکن ما بود  
در دفتر تَذکار به هر جای نوشتیم

۱. هدایت، بهره ژاپن از سفرنامه تشریف به مکه معظمه از طریق چین - ژاپن - آمریکا (۱۳۲۱ ه.ق/ ۱۹۰۴ - ۱۹۰۳ م.)، قسمت دوم و سوم کتاب.

۲. هدایت، سفرنامه مکه، ص ۲۳۹

۳. همان، ص ۲۷۳ - ۲۴۶

۴. همان، ص ۲۵۴

از مزرع گیتی چه ثمرها که بخوردیم  
چون نیک ببینیم به رفتار و به کردار

در مزرعه دهر یکی تخم نکشیم  
در صورت اگر نیک، به معنی همه زشیم<sup>۱</sup>

اما در نهایت در یک جمع‌بندی کلی، درباره اهمیت این اثر باید خاطر نشان کرد که اطلاعات وی در این کتاب، با تکیه بر مشاهدات عینی که خود داشته و آگاهی‌هایی که از سایر منابع و کتب معتبر گردآوری نموده و ارائه نظریاتی که درباره کشورهای شرقی و غربی ارائه کرده و نیز مقایسه‌ای که میان کشورهای آسیایی داشته، همگی دست به دست هم داد تا این اثر هدایت را به اثری ماندگار، به ویژه در حوزه ارتباط با مسائل ایران، چین و ژاپن تبدیل نماید، ولی آنچه در تمام آثار هدایت به خصوص این اثر وی باید مورد توجه محققین و خوانندگان واقع گردد، آن است که این کتاب‌ها - به ویژه این اثر - مدت‌ها بعد از سفر نگاشته شده و ممکن است تا حدودی تفکیک این مسئله که کدام دسته از افکار متعلق به دوران جوانی هدایت و کدام مربوط به دوران پختگی و بزرگ‌سالی وی است، کمی کار را بر محققان و خوانندگان آثار هدایت دشوار نماید و گاهی میان آثار مختلف وی، تناقض‌های زیادی را مشاهده نماید.

**۲- تحفة الافاق:** اثری جغرافیایی که باید آن را کاری تألیفی - ترجمه‌ای خواند. ظاهراً در سال ۱۳۱۴ ه. ق / ۱۸۹۷ م پدر مهدی قلی خان نسخه‌ای از کار فونسن را به او داد که به دستور مظفرالدین شاه قاجار باید ترجمه می‌کرد. بخش‌هایی از این اثر که از نظر مخبرالسلطنه مفیدتر بود، ابتدا ترجمه و در اختیار شاه قاجار و دیگران قرار گرفت، اما مخبرالسلطنه ظاهراً کار ترجمه را تنها در شأن و منزلت خود نمی‌دید؛ از این رو در صدد برآمد تا مطالبی را نیز به آن بیفزاید. در نتیجه این کار تبدیل به اثری ترجمه‌ای - تألیفی گردید.<sup>۲</sup> او خود در این باره چنین می‌گوید:

«در اول سلطنت مظفرالدین شاه جغرافیای بزرگ فونسن را اعلی حضرت برای ترجمه به پدرم داد. به من رجوع فرمودند. قسمت اروپا را که مشتمل بر مطالب مفیده بود با شوقی وافر ترجمه کردم و تقدیم شد. خواستم آن را به طبع برسانم. به ترجمه قناعت نکردم. تاریخ و حکایاتی از هر قبیل بر آن افزودم. خواستم مصور باشد. اسباب فراهم نبود. لوازم کار از فرنگ آوردم و خود مشغول امتحانات شدم. یک صفحه مرا هشت ماه معطل کرد. خسته نشدم تا راه عمل را به دست آوردم. نیمی از آن کتاب قبل از مسافرت به شیراز (شعبان ۱۳۳۰ هجری قمری) به طبع رسید و بقیه به واسطه عوایق چندی بعهده تأخیر افتاد تا در سنه ۱۳۱۷ [هجری شمسی] انجام پذیرفت».<sup>۳</sup>

این اثر هدایت به گونه‌ای است که خواننده به سختی می‌تواند مطالب ترجمه شده را از تألیفات شخصی مخبرالسلطنه متمایز کند، چرا که مخبرالسلطنه در ابتدای امر سعی نموده هر آنچه را که نوشته‌های خود اوست، تحت عنوان «مترجم می‌گوید» متمایز نماید، ولی تا انتهای کتاب این امر ادامه ندارد. از همین

۱. همان، ص ۳۰۰

۲. هدایت، تحفة الافاق، ص ن؛ هدایت، خاطرات و خطرات، ص ۱۲۳

۳. هدایت، بر من چه گذشت، ص ۳۶ و ۳۷



روست که باید این اثر را کاری ترجمه‌ای - تألیفی از هدایت نام نهاد.

**۳- تحفة الافلاک:** اثر دیگری که از هدایت باید به آن اشاره نمود، کتابی است که در ۵۰۴ صفحه نگاشته شده است و چنان که از نام این اثر پیداست، دربارهٔ صور فلکی و اجرام آسمانی است. مخبرالسلطنه که همواره به اجرام آسمانی علاقه‌مند بوده، پس از آنکه از کار ریاست وزرایی ۱۳۱۲ ه. ش / ۱۹۳۳ م فارغ می‌شود، به دنبال علاقهٔ خود رفته و شروع به بررسی ستارگان و کواکب می‌کند که نتیجه آن هم اثری به نام *تحفة الافلاک* می‌شود:

چو از دوشم فتاد آن بار تکلیف	یکی هیئت بنا کردم نوشتن
سر و کارم کنون با آسمان است	ابا کپلر کپرنیک و نیوتن
ز حد کهکشان تا مرکز خاک	کواکب یا ثوابت آنچه روشن

این اثر هدایت در سال ۱۳۳۱ ه. ش / ۱۹۵۲ م توسط چاپخانه مجلس، در زمان حیات هدایت به چاپ رسید.

**۴- مجمع الادوار:** ظاهراً مخبرالسلطنه دوست نداشت تنها به نگارش کارهای ادبی، تاریخی و کارهایی از قبیل خاطره‌نویسی دست بزند. از همین رو کاری متفاوت نیز از خویش به جا گذارد که *مجمع الادوار* نام گرفت. اما ظاهراً هدایت در نگارش این اثر خود یعنی *مجمع الادوار*، با پاره‌ای از موانع مواجه بود: ۱- از آنجا که هدایت تا حدود زیادی خود را مذهبی معرفی می‌کرد، دست زدن به کارهایی از این قبیل، شاید چندان روی خوشی برای وی نداشت. ۲- او چندان به آلات موسیقی مسلط نبود و نیاز به شخصی بود که بتواند نت‌ها و آلاتی را که او قصد داشت ثبت کند، به خوبی بنوازد. با وجود این مسائل، باز هم مخبرالسلطنه از خواستهٔ خویش دست نکشید و با تمام وجود، به دنبال آن رفت.

آنچه باعث نگارش این کتاب گردیده است، ظاهراً پیش زمینه‌هایش به دوران کودکی مخبرالسلطنه باز می‌گشت که از همان دوران کودکی چنانچه خود اشاره کرده، «از جعبهٔ گز، تار دم اسب، قطعات قرقره، دست انداز تخت، سازی سر هم می‌کردم، گاهی به اتفاق تناسبی بین تارها می‌افتاد و نشاط می‌داد».<sup>۱</sup> این علاقه مخبرالسلطنه به موسیقی، ظاهراً در دوران اقامت کوتاه مدت وی در یک خانواده آلمانی که مهدی قلی خان نوجوان برای تحصیل به آنجا رفته بود، تشدید گردید.<sup>۲</sup> هدایت که برای تحصیل به آلمان رفته بود، باید گفت هر کاری کرد، به جز هدف اصلی که تحصیلات بود، اما ظاهراً این علاقه مانند بسیاری از علائق کودکانه گذرا نبود یا حداقل مهدی قلی خان شخصی نبود که در اثر جبر محیط، پای روی علائق خود بگذارد و آن‌ها را به بوته فراموشی بسپارد.

این علاقهٔ شدید مخبرالسلطنه به موسیقی تا به حدی بود که بعدها در تمام سفرهای کاری خویش، نوازنده‌ای را نیز همراه خود به آن دیار می‌برد. به عنوان مثال می‌توان به سفرهای او به عنوان والیگری اول

۱. هدایت، *تحفة مخبری یا کار بیکاری*، ص ۷

۲. هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، *مجمع الادوار*، تهران، بی‌نا، ۱۳۱۷، ص ۳۷

۳. هدایت، *گزارش ایران (قاجاریه و مشروطیت)*، ۱۳۶۳، ص ۱۲

در آذربایجان و سپس فارس اشاره نمود.<sup>۱</sup> اما این علاقه مخبرالسلطنه تنها به این محدود نشد، از همین رو بعدها، پس از آنکه به مقام ریاست وزرایی رسید، گام‌های زیادی را در راه بهبود وضع موسیقی در ایران و حتی مدارس ایرانی برداشت. او حتی چنان که اشاره شده، در دوران ریاست وزرایی‌اش، به شخصه به سرکشی از مدرسه موسیقی همراه وزیر معارف وقت، یعنی اعتمادالدوله قره گوزلو می‌رفت و حتی دستوراتی را برای بهتر شدن هر چه بیشتر مدارس آن دوره ارائه می‌کرد.<sup>۲</sup>

اما باید به این مسئله توجه داشت که این توضیحات ذکر شده درباره مخبرالسلطنه به معنی علاقه وی به جنبه‌های مطربی آن نبوده و حتی به شدت از آن گریزان بوده است.<sup>۳</sup> از همین روست که اذعان می‌داشت: «شعرائی که به کلمات رنگین و عبارات مهیج بمناهی و ملاحی، اغوای خلق کنند اهل جهنمند و شعرائی که خلق را به حکم و مواعظ در عبارت جاذب و مؤثر دعوت کنند آن زمره‌اند که ایشان را پیغمبر صله فرمود. همچنین است کیفیات موسیقی. فرق است بین رنگ شیطان که دعوت به شهوت کند و آواز مسیح که روح را قوت دهد و نفس را تسکین. از طرفی هیچ چیز در عالم نیست مدل و مضل نباشد. در مورد سوء استفاده مضرات و در مقام حسن استفاده مفید».<sup>۴</sup>

به هر حال این علاقه به موسیقی از دوران کودکی تا دوران کهولت که بدان به طور مختصر اشاره گردید، سبب خلق اثری شد در تاریخ موسیقی ایران که مجمع‌الادوار نام گرفت. همین اثر، مخبرالسلطنه را جزو اولین کسانی قرار داد که به نگارش نت در موسیقی ایران پرداختند.<sup>۵</sup> ظاهراً آنچه سر منشاء نگارش چنین کتابی توسط هدایت گردید، این است که روزی علی خان ناظم العلوم، پسر عمه هدایت، رساله‌ای به زبان عربی برای وی می‌آورد که مهدی قلی خان جوان ابتدا از آن سر در نمی‌آورد. ولی پس از مراجعه به شرح ادوار عبدالقادر، نسخه اصلی را استنساخ کرده، پس از تطبیق آن با آثاری چون ادوار صفی‌الدین ارموی، مقاصد الالحن عبدالقادر ارموی و درة التاج قطب‌الدین شیرازی،<sup>۶</sup> در نهایت این اثر خود را به چاپ رساند. در مورد نگارش این کتاب باید به این نکته اشاره نمود که مخبرالسلطنه در دورانی که به عنوان والی در فارس به سر می‌برد، در اثر مصاحبت‌هایی که با منتظم‌الحکما داشت، اطلاعات گران‌قدری درباره موسیقی به دست آورد و چنان که خود گفته: «یادگاری که از آن مدت مانده، دوره علم موسیقی است و هفت دستگاه معمول که به نوبت درآوردم».<sup>۷</sup> اما پرداختن به این اثر و نگارش آن مانند تحفه مخبری، دقیقاً زمانی شروع می‌شود که وی از والیگری فارس عزل شده و با فراغ‌بال و با استفاده از زمان‌های بیکاری، شروع به نگارش

۱. شعبانی، عزیز، شناسایی موسیقی ایران (از کوروش تا پهلوی)، جلد ۱، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا، ص ۱۵۸

۲. همان، ص ۱۵۹ و ۱۶۰

۳. صفائی، رهبران مشروطه، ص ۴۳۲

۴. هدایت مجمع‌الادوار، ص: ۱۷.

5. Yousefzadeh Ameneh, (2003), Hedayat, Mokhber-Asaltana I. Life and Work, Irani, 118 & 119.

6. Ibid

۷. هدایت، بر من چه گذشت، ص: ۲۸.

این اثر نیز می‌نماید:

ز گلخن کردمی رو سوی گلشن	شدم احضار تهران شکر الله
ز وادی محن آیم بمامن	گمان کردم که جستم من از آن بند
بکنج خانه بایستی خزیدن	ندانستم که از جور رفیقان
رقیبان بدل، شیطان ریمن	چنان شد کم ز مجلس باز راندند
ز صبر و از قناعت کرده جوشن	به سختی می‌گذشتم زندگانی
بکردم می‌نماندم هیچ اژهن <sup>۱</sup>	ز موسیقی یکی دفتر همی ساز

اما این اثر مخبرالسلطنه نیز بسیار دیرتر از زمانی که نگارش آن آغاز گردید، به چاپ رسید، چرا که همه آثار مخبرالسلطنه به نوعی کارهای بیکاری وی بود. حال آنکه اگر نگاهی به حد فاصل سال‌های مهر ۱۲۹۴ / سپتامبر ۱۹۱۵ که از والیگری عزل شد تا ۱۳۱۷ ه.ش / ۱۹۳۸ م که این اثر مخبرالسلطنه به چاپ رسید، بیندازیم، تقریباً یکی از پرمشغله‌ترین دوران زندگانی مخبرالسلطنه هدایت محسوب می‌شود. وی چنان علاقه‌ای ظاهراً به این اثر خود داشت که با آنکه بارها به مشکلات زیادی در نگارش و تکمیل آن برخورد کرده بود، از انجام آن منصرف نشد و پول زیادی را صرف نگارش این اثر خود نمود.<sup>۲</sup> از نشانه‌های علاقه شدید وی به این کتاب آن بود که بعدها در حالی که در جریان ماجرای لاهوتی، جانش به خطر افتاده بود - چنان که خودش اشاره نموده - به تنها چیزی که فکر می‌کرده، تنها نجات دادن این کتاب و رساندن آن به دست وارثانش بوده است.<sup>۳</sup> در واقع پس از سال ۱۳۱۲ ه.ش / ۱۹۳۳ م، یعنی پس از استعفا از ریاست وزرایی بود که بسیاری از کارهای نیمه کاره خود، از جمله این اثر را به پایان رساند.

این اثر مخبرالسلطنه از سه بخش یا به قول خود مخبرالسلطنه از سه «نوبت» تشکیل شده است. هر نوبت باز به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم شده که «گوشه» نام گرفته است. نوبت اول شامل ۴۹ گوشه و دو فرود است. نوبت دوم شامل ۱۳ گوشه و چهار پروانه است و نوبت سوم نیز تنها شامل ۲۴ گوشه است. این کتاب، نوشته پاره‌ای از موسیقی‌دانان قدیم ایران مانند فارابی، صفی‌الدین ارموی، عبدالقادر ارموی، غیره را خلاصه گردانیده است و با زبانی ساده و قابل فهم، مبانی فن موسیقی را چنان که قدما تصور کرده‌اند، به نگارش در آورده است.<sup>۴</sup>

علاوه بر این باید افزود با آنکه نام مخبرالسلطنه به تنهایی روی جلد این کتاب واقع شده، ولی در واقع این اثر بیشتر از آنکه کاری تک نفره باشد، کار دو نفره بود که همراه منتظم الحکما (مهدی صالحی) به انجام رسید. این کار مشترک به مدت ۷ سال یعنی در حد فاصل سال‌های ۱۲۹۴ - ۱۳۰۱ ه.ش / ۱۹۱۵ -

۱. همان، ص: ۴.

۲. هدایت، *خاطرات و خطرات*، ص ۳۰۹.

۳. همان، ص ۳۳۳.

۴. شعبانی، *شناسایی موسیقی ایران (از کوروش تا پهلوی)*، ص ۱۵۹.

۱۹۲۲م ادامه داشت و آنچه را منتظم الحکما می‌نواخت،<sup>۱</sup> مخبرالسلطنه با علاقهٔ بسیاری که داشت، به یادداشت نت‌هایش می‌پرداخت.<sup>۲</sup>

به هر حال چه عشق مخبرالسلطنه به موسیقی بود و چه تلاش وی برای زنده نگه داشتن نام خویش از طریق این کتاب - چنان که خود او هم درباره نگارش این کتاب به آن اشاره کرده است -<sup>۳</sup> در نهایت با تلاش‌های فراوانی که پس از عزل از ریاست وزرایی برای به اتمام رساندن این کتاب در یک محیط آرام و دور از قیل و قال سیاست انجام داد<sup>۴</sup>، موفق گردید این اثر را در سال ۱۳۱۷ه.ش / ۱۹۳۸م به پایان برساند. در نهایت باید افزود که این اثر در تاریخ موسیقی ایران، به عنوان اثری ماندگار، دارای ارزش بسیاری است و دوستداران موسیقی با مراجعه به آن، شاید بتوانند اطلاعات حائز اهمیتی را در این باره به دست بیاورند، به ویژه آنکه این اثر جزو اولین آثار فارسی مرتبط با نگارش نت در دوران معاصر است.

### آثار دیگر

این آثار اشاره شده، تمام فعالیت‌های مخبرالسلطنه در زمینه نگارش نبود. این آثار تنها آن دسته از مکتوباتی را فرا می‌گیرد که تا امروز از هدایت باقی مانده و در اصالت انتساب آن‌ها به هدایت، هیچ تردیدی نیست. مخبرالسلطنه آثار دیگری از خود به جا گذاشته که در این میان می‌توان به دستور زبانی که برای یادگیری زبان آلمانی نگاشته است، اشاره نمود.<sup>۵</sup> او این اثر را زمانی تألیف کرد که به عنوان مترجم مسیو وت آلمانی در مدرسه دارالفنون مشغول به کار بود.<sup>۶</sup> او همچنین رساله کوچکی در زمینه عکاسی و گراور نیز تألیف نموده است.<sup>۷</sup>

این آثار مخبرالسلطنه را باید در کنار آثار بسیار دیگری چون *تحفة الاریب* (در عروض و بدیع)، *بستان الأدب* (تذکره‌ای برای مراجعه شخصی)، *رساله‌ای در تصوف و جبر و هندسه و مثلثات* (برای تذکره‌به) برشمارد، که هیچ‌گاه به چاپ نرسید و با وجود علاقه‌ای که مخبرالسلطنه به چاپ بسیاری از آثارش داشت، ناکام ماند.<sup>۸</sup> اما مخبرالسلطنه تا آنجا که توانست، آثار خود را در دوران حیات خویش به چاپ رساند. او وقتی که رساله‌ای در باب تاریخ کیان نوشت و به دلیل نامعلوم نتوانست به عنوان جزوه‌ای جداگانه به چاپ برساند، بر آن شد که آن را در کتاب اصلی خویش، یعنی *خاطرات و خطرات* که هیچ ربطی هم به

۱. طبیعی که موسیقی‌دان بزرگی بود و به موسیقی این مرز و بوم، خدمات شایانی ارائه نمود.

۲. همان.

۳. هدایت، *خاطرات و خطرات*، ص ۲۹۰ و ۲۸۹

۴. بلوشر، ویپرت، *سفرنامهٔ بلوشر*، ترجمهٔ کیکاوس جهاننداری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۳.

۵. هدایت، *خاطرات و خطرات*، ص ۵۲

۶. صفائی، *رهبران مشروطه*، ص ۴۲۳

۷. همان، ص ۱۲۳

۸. شفق، *مجید، شاعران تهران از آغاز تا امروز*، جلد ۲، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۷۷، ص ۹۶۰

موضوع کتاب نداشت چاپ کند.<sup>۱</sup> شاید تنها دلیل - همان طور که شفق ذکر کرده - علاقه بیش از حد مخبرالسلطنه به زنده نگه داشتن نام خود و آثارش بوده است. در این باره باید افزود که اثری تحت عنوان دید و بازدیدهای شاهان نیز از هدایت باقی مانده است. درباره این اثر چند صفحه‌ای، باید خاطر نشان نمود - چنان که از ظاهر این جزوه کوتاه می‌توان حدس زد - مخبرالسلطنه آن را برای مجله یا نشریه‌ای به نام «دانشمند» نگاشته که کمتر مورد توجه واقع گردیده است. این جزوه که تنها یک نسخه از آن در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود، در واقع به آداب و رسوم حاکم بر دربار در هنگام برپایی مراسم‌های مختلف و نیز سفر پادشاهان به کشورهای دیگر اشاره دارد.<sup>۲</sup>

اما کارهای هدایت تنها محدود به نگارش کتاب نمی‌شد. او اگر گاه مقاله خوبی را پیدا می‌نمود، آن را ترجمه می‌کرد تا هم وطنانش نیز از این اطلاعات سودمند، بهره‌مند گردند.<sup>۳</sup> او گاهی به تصحیح و حاشیه‌نویسی کتب نیز می‌پرداخت که در این مورد باید از تصحیح و حاشیه‌ای که بر کتاب تذکره ریاض العارفین پدر بزرگش، یعنی رضا قلی خان نوشت یاد کرد.<sup>۴</sup>

### نتیجه

جنبش مشروطه‌خواهی در ایران، نتایج و پیامدهای زیادی همراه داشت. یکی از عمده‌ترین نتایج این جنبش، دمیده شدن روح تازه‌ای به کالبد بی‌جان جامعه ایران در تمامی سطوح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود. این جنبش به نوبه خود، منجر به نهضتی گردید که سبب شد بسیاری از رجال سیاسی و فرهنگی زمان، به نگارش آثار زیادی در زمینه‌های مختلف دست بزنند. یکی از این رُجُل سیاسی و فرهنگی، مهدی قلی خان مخبرالسلطنه هدایت بود که آثار بسیاری را از خویش به جا گذارد. دلایل اهمیت آثار وی عبارتند از: ۱- او در خاندانی قجری متولد گردید بود؛ ۲- سفرهای زیادی به نقاط مختلف دنیا انجام داده بود؛ ۳- به چندین زبان خارجی تسلط داشت و ۴- همواره در بالاترین سطوح سیاست و قدرت قرار داشت و بسیاری از وقایع را خود از نزدیک مشاهده نموده و در واقع خود ناظر بر روند قضایا بوده است. بررسی رجالی نظیر هدایت و آثار ایشان، از آن رو ضروری می‌نماید که در واقع به کمک آن می‌توان به روشن نمودن هر چه بیشتر تاریخ معاصر ایران، کمک نمود. از همین رو امید است که گردآوری و معرفی تمامی آثار هدایت، بتواند دریچه‌ای باشد برای درک هر چه بهتر تاریخ معاصر ایران.

۱. هدایت، خاطرات و خطرات، ص ۲۳۳

۲. هدایت، مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، دید و بازدیدهای شاهان، بی‌جا، بی‌نا، ص ۸-۱۲

۳. هدایت، خاطرات و خطرات، ص ۲۳۰؛ هدایت، گزارش ایران (قاجاریه و مشروطیت)، ۱۳۶۳، ص ۱۶۶

۴. هدایت، رضا قلی، تذکره ریاض العارفین، تهران، مهدیه، چاپ دوم، ۱۳۱۶، قسمت حاشیه‌ها و تصحیحات.